

The Prophetic Community-Building Process in the Meccan Period with an Emphasis on the Descent of the Children of Israel Storya

Receive Date: 11/06/2023
Revise Date: 08/01/2024
Accept Date: 20/01/2024
Publish Date: 20/03/2024

[10.22034/JKSL.2024.400892.1215](https://doi.org/10.22034/JKSL.2024.400892.1215)



[20.1001.1.27833356.1403.5.1.4.2](https://doi.org/20.1001.1.27833356.1403.5.1.4.2)



*Rezvaneh Dastjani Farahani

Type of Article: Researching

Abstract

Community-building is a process that is established over time based on specific principles. The 23-year period of the revelation of the Holy Quran, which ultimately led to the formation of the desired community, provides the stages and structure of community formation to the audience. The process of community-building can be extracted from the 23-year period of the Prophet's mission, based on the descent of the Holy Quran. In the early years of revelation, the Prophet, while conceptualizing and creating the foundations for building a community, devoted efforts to the nurturing and education of individuals to initiate the formation of an Islamic community through human resource development. This research focuses on the Prophetic community-building process in the Meccan period with an emphasis on the descent of the Children of Israel story, utilizing the Quranic revelation approach, historical teachings, content analysis method, and the story of the Children of Israel. By analyzing the revealed verses and the story of the Children of Israel and their events in the Meccan period, the author argues that the Prophet, in the Meccan period, initially focused on creating an environment and strengthening the thoughts and transformations in the cognitive structure of the audience. Based on this and through human resource development, he first formed a minimal community of believers, and towards the end of the Meccan era, the community of believers officially emerged. The Prophet then took the initiative to establish a community and subsequently a government upon the command of migration and by entering Medina.

Keywords: Holy Quran, community-building, Quranic revelation approach, Meccan period, Children of Israel story.

*.Doctoral Researcher in Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran
adastjani*1@yahoo.com



فرآیند جامعه‌سازی نبوی در دورهٔ مکی با تأکید بر سیر نزول داستان بنی‌اسرائیل



دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱
پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

رضوانه دستجانی فراهانی* 

[10.22034/JKSL.2024.400892.1215](https://doi.org/10.22034/JKSL.2024.400892.1215)



[20.1001.1.27833356.1403.5.1.4.2](https://doi.org/20.1001.1.27833356.1403.5.1.4.2)



مقاله: پژوهشی

چکیده

جامعه‌سازی فرآیندی است که طیّ زمان و بر اساس اصول خاصی بنا نهاده می‌شود. دورهٔ ۲۳ سالهٔ نزول قرآن کریم که در نهایت منجر به شکل‌گیری جامعهٔ مطلوب شد، مراحل و ساختار شکل‌گیری جامعه را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. می‌توان روند جامعه‌سازی را از مدت ۲۳ سال رسالت پیامبر ﷺ، بر اساس سیر تنزیل قرآن کریم استخراج نمود. پیامبر ﷺ در سال‌های آغازین نزول، ضمن ایده‌سازی و ایجاد زمینه‌های ساخت یک جامعه، به پرورش و تربیت انسان‌ها همت گمارد تا از طریق تربیت نیروی انسانی، به تشکیل جامعهٔ اسلامی مبادرت ورزد. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تنزیلی قرآن کریم و آموزه‌های تاریخی و استفاده از روش تحلیل محتوا و با بهره‌گیری از داستان بنی‌اسرائیل، به فرآیند جامعه‌سازی نبوی در دورهٔ مکی با تأکید بر سیر نزول داستان بنی‌اسرائیل می‌پردازد. نویسنده با تحلیل سوره‌های نازل‌شده و دربرگیرندهٔ داستان بنی‌اسرائیل و تحلیل وقایع آن در دورهٔ مکی، بر آن است که پیامبر ﷺ در دورهٔ مکی ابتدا به ایجاد زمینه و تقویت اندیشه و تفکر و تحول در هندسهٔ معرفتی مخاطبان اهتمام ورزید و بر اساس آن و با تربیت نیروی انسانی، ابتدا جامعهٔ حداقلی مؤمنان را شکل داد و در اواخر عهد مکی، جامعهٔ مؤمنان ظهور رسمی یافت. پیامبر ﷺ آنگاه با دستور هجرت و با ورود به مدینه، به تأسیس جامعه و سپس حکومت مبادرت ورزید.

سال پنجم

شماره اول

پیاپی پانزدهم

بهار ۱۴۰۳

* پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران.

adastjani31@yahoo.com

واژگان کلیدی: قرآن کریم، جامعه‌سازی، رویکرد تنزیلی، دورهٔ مکی، داستان بنی اسرائیل.

استناد به مقاله

دستجانی فراهانی، رضوانه. (۱۴۰۳). فرآیند جامعه‌سازی نبوی در دورهٔ مکی با تأکید بر سیر نزول داستان بنی اسرائیل. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۵(۱)، ۱۰۰-۱۳۳. doi: 10.22034/jksl.2024.400892.1215

jksl.2024.400892.1215

۱. بیان مسئله

اسلام دینی اجتماعی است. هدف آن هم نه فقط پرورش افراد دین‌دار، بلکه ساختن جامعه‌ای مطلوب با انسان‌های تربیت‌یافته است (قانع، ۱۳۸۸، ص ۵۵). قرآن کریم انسان‌ها را برای ساختن چنین جامعه‌ای فراخوانده و نسبت به جامعه، بی‌تفاوت برخورد نمی‌کند؛ بلکه به حضور و فعالیت در جامعه در راستای شکل‌دهی مطلوب و صحیح آن و تحمل سختی‌ها دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰). وحی الهی با هدف ایجاد تحول در همهٔ امور، از جمله جامعه‌سازی نبوی، آغاز گردید. امر تحول تنها از طریق معین شدن نقشهٔ راه محقق می‌شود. براین اساس، مخاطب قرآن با مفاهیمی آشنا می‌شود که هرچند ابعاد و لوازم و مصادیق آن گسترش می‌یابد، تکلیف او را در رابطه با موضوعات سازندهٔ هویت دینی روشن می‌کند (بهجت‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲).

توجه به سیر نزول قرآن کریم، سیر رسیدن به چنین جامعهٔ مطلوبی را پیش روی انسان قرار می‌دهد. توضیح آنکه، یک دورهٔ زمانی ۲۳ ساله برای تحقق بخشیدن به جامعه و حکومت مطلوب شکل گرفته است. توجه به این مقوله نشان‌دهندهٔ مدیریت و برنامه و مجموعهٔ هماهنگ گفتار و رفتار است. آن «هدایت و تربیت» همراه با این نوع «تشکل و سازمان» و هجرت‌های حساب‌شده، نشان‌دهندهٔ تشکیل جامعهٔ دینی است (صفائی حائری، ۱۳۹۹ق، ص ۱۴۵-۱۴۶). مطالعهٔ وضعیت یک جامعه پیش از تحول، پژوهشگر را در شناخت ابعاد مختلف تغییرهای اجتماعی و روش‌ها و اهداف آن کمک می‌کند. تأمل در فضای حاکم بر مکه در آغاز این تغییرات اجتماعی، عوامل و شرایط تغییر را نشان می‌دهد. در این بین، کارگزاران تغییر که در فرآیند شکل‌گیری جامعهٔ مطلوب نقش دارند، شناخته می‌شوند. این گروه افرادی هستند که کنش اجتماعی آنان، شکل و ویژگی کنش تاریخی را به خود می‌گیرد. به بیان دیگر، آنان افرادی هستند که عملکرد آنان از باورها و اهداف و ارزش‌های تأثیرگذار بر جامعه نشأت می‌گیرد. به‌طور کلی می‌توان موارد زیر را جزء امتیازات آیات مکی با محتوای اجتماعی برشمرد که هر یک نقش مؤثری در ایجاد دگرگونی یا هدفمند ساختن جامعه بر عهده داشته‌اند:

توصیه به وحدت و هم‌بستگی اجتماعی (شوری: ۱۳ و ۱۵)، طرح قصص انبیا و ملل گذشته با هدف عبرت‌آموزی و الگو سازی (نک: آیات قصصی)، التزام به حیات پس از مرگ با رویکرد



معادی، توجه به توبه به‌عنوان ابزار تهذیب بشری (هود: ۱۱۴؛ نساء: ۱۷)، تشریح و تبیین خصال نیکو جهت قرب الی الله (النجم، ۱۹۹۷م، ص ۱۶۹؛ ابی‌یعقوب، ۱۹۹۳م، ص ۳۶۱).
 اگرچه به‌منظور دستیابی به مؤلفه‌های انسانی ساخت اجتماعی، بررسی تمامی آیات مفید است، می‌توان از طریق تحلیل قصص قرآنی به این هدف دست یافت؛ زیرا قرآن به گونه‌ای سامان‌دهی و نازل شده است که در هر بخش آن، می‌توان کل معنای حاکم بر آن را جست‌وجو نمود. متن قرآنی، برخلاف متون بشری که در آن معنا به صورت پاره‌پاره است، معنای متصلی دارد و می‌توان در عین وجود معنای مستقل برای هر بخش، سراغ آن معنا را در بخش‌های دیگر نیز گرفت. می‌توان از طریق تحلیل یکی از قصص به اصولی دست پیدا کرد که صرفاً برای آن قوم کاربرد نداشته است و اعتبار فرازمانی و فرامکانی دارد. تأمل در قصص قرآنی بر اساس رویکرد تنزیلی، برای هر مرحله از تحولات پیش‌روی جامعه اسلامی، یک فرآوری گفتمانی را در اختیار می‌گذارد. به عبارت دیگر، قصه‌های قرآنی هم‌پای هرکدام از مراحل کلان از دوره‌های تحول، گفتمان خاص آن مرحله را تولید می‌کند. با مطالعه وضعیت تنزیلی جامعه هدف درمی‌یابیم که جامعه در کدام مرحله گذار بوده است و قصص نیز گفتمان مدنظر آن دوره را برای تغییر جامعه در اختیار قرار می‌دهد.

در ارتباط با انتخاب داستان بنی‌اسرائیل باید گفت که این حکایت ویژگی‌های خاصی به شرح زیر دارد:

الف) امتداد زمانی: بر اساس تصریح قرآن کریم، داستان بنی‌اسرائیل در یک بازه زمانی طولانی شکل گرفته و از این نظر در قیاس با سایر داستان‌ها منحصر به فرد است. این ویژگی سبب شده است تا عمق زمانی پدیده‌ها به صورتی آشکار ترسیم شود. عنصر زمان در این قصه تأثیر شگرفی دارد و پژوهشگر به هنگام تحلیل تمامی وقایع لازم است آن‌ها را در یک چشم‌انداز زمانی بفهمد. این ویژگی نشان‌دهنده اصل «تحول تدریجی» پدیده‌های اجتماعی است که در داستان بنی‌اسرائیل به خوبی ترسیم شده است.

ب) تنوع رفتاری: گستردگی زمانی سبب شده است تا عملکرد پیامبر الهی و عناصر اجتماعی قوم او تنوع رفتاری داشته باشد. این ویژگی خود در تحلیل پدیده‌ها مؤثر است و فرصت شناسایی بازیگران دخیل در این قصه را می‌دهد.

ج) گستردگی روایی: علاوه بر شرح کامل داستان در سورهٔ قصص، حداقل در ۳۱ سورهٔ دیگر ابعاد مختلف این داستان تبیین شده است (نک به: الدجانی، ۱۳۹۲، ص ۱۹).

در مجموع می‌توان گفت، نگارنده به دلیل محدودیت‌های پژوهش، ناگزیر به انتخاب یک مورد پژوهشی بوده است. همان‌گونه که بنی اسرائیل برای عصر مخاطب پیامبر ﷺ در حجاز نمونه است، برای دورهٔ معاصر نیز، عصر موسی ﷺ و عصر پیامبر ﷺ نمونه‌های مصداقی و گفتمانی تدبیر برای تغییر و ساخت جامعهٔ مطلوب شمرده می‌شود. با این چشم‌انداز، دو پرونده تاریخی پیش‌روی پژوهش‌گر جامعه‌شناس امروزی گشوده است: یکی قصهٔ عصر پیامبر ﷺ و دیگری قصهٔ عصر موسی ﷺ و بنی اسرائیل. برای مخاطب امروزی مرور نمونه‌های عصر پیامبر ﷺ به همان میزان آموزنده است که نمونه‌های عصر بنی اسرائیل برای عصر پیامبر ﷺ این‌گونه بود. عصر ۲۳ سالهٔ پیامبر ﷺ نمونهٔ فرآوری‌شدهٔ عصر موسی ﷺ است؛ گویا قصهٔ عصر پیامبر ﷺ تکرار قصهٔ عصر موسی ﷺ است (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۳). براین اساس، نگارنده در این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش تنزیلی و استفاده از آموزه‌های تاریخی و روش تحلیل محتوا به این سؤال پاسخ دهد که فرآیند جامعه‌سازی در دورهٔ مکی و با تکیه بر سیر داستان بنی اسرائیل چگونه ترسیم شده است؟

مرور آثار چاپ‌شده نشان می‌دهد دربارهٔ جامعه‌سازی و مراحل آن به‌طور مستقل مقالاتی منتشر شده است که از جمله می‌توان به «مراحل جامعه‌سازی از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر آیهٔ ۲۹ سورهٔ فتح» نوشتهٔ نرگس شکرپیگی و همکاران اشاره کرد. نویسندگان در این مقاله به مراحل تربیتی و نحوهٔ پایه‌ریزی جامعهٔ نبوی پرداخته‌اند. اما در موضوع خاص مقالهٔ حاضر ظاهراً اثر مستقلی نوشته نشده است.

۲. تبیین فرآیند جامعه‌سازی و امت‌سازی

بعثت پیامبر ﷺ و نزول قرآن کریم جامعهٔ معاصر نزول را به سمت تغییر و تحول‌های بنیادین سوق داد که در نهایت به دگرگونی در کل نظام اجتماعی عرب منجر شد. نظام فکری شرک‌آلود، نظام قبیله‌ای و فرهنگ جاهلی از موانع اصلی این تغییر بود. سوره‌های مکی قرآن که نخستین سوره‌های نازل شده است، این امور زیربنایی و تمهیدی را بیان کرده است. براین اساس، محتوای اولین سوره‌های نازل‌شده حاکمیت ربوبی خداوند و نفی حاکمیت طاغوت است که مهم‌ترین



مبنای فکری یک جامعه اسلامی شمرده می‌شود. به‌طور کلی، در سوره‌های مکی مفاهیمی چون «الله» و «خلق» و «انسان» مفاهیمی است که برای بسترسازی و بیان اصول جامعه نبوی به کار رفته است و پیامبر ﷺ نیز مأمور تغییر و ایجاد تحول در اندیشه‌ها و هنجارهای جامعه بود تا از این رهگذر جامعه نبوی شکل گیرد (العلوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱۸، ص ۶۳).

پیامبر ﷺ در دوره مکی با تبیین ایده‌ها، به مبارزه پنهان و آشکار با مبانی فکری نظام طاغوتی پرداخت که موجب شد گروه اندکی از مؤمنان شکل بگیرد و زمینه تأسیس جامعه و دولت نبوی در دوران مدینه فراهم شود. سپس با ابلاغ دستور «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴)، جامعه حداثی و رسمی مؤمنان نیز ظاهر شد. پس از این اتفاق، فشارهای مشرکان بر گروه نوظهور مؤمنان بیشتر شد. گسترش ارزش‌های قرآنی در مکه به علت نهادینه شدن باورهای جاهلی و خلأ اعتقادات درست و نیز حاکمیت قریش به‌کندی پیش می‌رفت. وجود این موانع دشوار باعث شد تا پیامبر ﷺ علاوه بر سفرهای تبلیغاتی، مانند سفر به طائف، یا گردهمایی‌هایی چون عقبه اول و دوم، به تربیت نخبیان کارآمد اهتمام ورزد و آنان را به مناطقی مانند یثرب و یمن اعزام کند یا در اقدامی تبلیغی و تدافعی دستور هجرت به حبشه و یثرب را صادر نماید. هجرت به مدینه و پیوستن بیشتر ساکنان آنجا به پیامبر ﷺ باعث شد جامعه حداثی مؤمنان شکل گیرد و در نهایت، جامعه و دولت نبوی تأسیس شود (ابن هشام، ۱۹۹۸م، ص ۶۷۹۱). از جمله مؤلفه‌ها و عناصر عام جامعه‌سازی و دولت‌سازی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ایده‌سازی: منظور از ایده‌سازی جهان‌بینی خاصی است که مسائل کلانی چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی را در بر می‌گیرد؛

جمعیت یا مردم: نقش مردم در جامعه و جامعه‌سازی و ادامه حیات آن بسیار مهم است. انسجام و یک‌پارچگی انسان‌ها جهت این امر در اواخر دوره مکی و دوره مدنی محقق شد؛ قلمرو یا سرزمین: در فرآیند تشکیل جامعه و دولت‌سازی نبوی، عنصر سرزمین با هجرت به مدینه محقق گردید و در داستان بنی اسرائیل با هجرت به سوی فلسطین (بهروزی لک و رنجبر، ۱۳۹۷، ص ۴).

سوره‌های مکی در سرآغاز این سیر تحول قرار دارد. براین اساس، ابتدا دوره مکی با تأکید بر سوره‌های مشتمل بر داستان بنی اسرائیل تحلیل می‌شود؛ سپس بر اساس آموزه‌های این سوره‌های و داستان بنی اسرائیل، فرآیند جامعه‌سازی تبیین می‌گردد.

۱-۲. تحلیل دورهٔ مکی با نمونهٔ داستان بنی‌اسرائیل^۱

با تأمل در آیات قصصی قرآن کریم و تاریخ اسلام، میتوان آیندهٔ جامعه و انسان‌ها را حدس زد؛ زیرا نوع تربیت، تدبیر، شکل، جاسازی و جای‌گزینی برای شکل‌های مختلف آیندهٔ انسانی و جامعه متفاوت است. برای تحقق انسان و جامعهٔ مطلوب باید مراحل را طی کرد. توجه به ترتیب نزول سوره‌ها نشان می‌دهد بیشتر قصص قرآنی در سوره‌های مکی آمده است. در حقیقت، طبیعت دعوت در آن دوره اقتضا می‌کرد ابتدا پایه‌های دینی استوار شود؛ از این رو با توجه به شرایط سخت و بحران‌ها و مشکلات گوناگون اقلیت دینی مسلمان، یکی از اهداف قصص قرآنی کاهش فشار روحی شدید بر پیامبر ﷺ و پیروان او، نشان دادن تصویری بدیع از صبر و استقامت پیشینیان در راه ابلاغ حق و ایجاد امیدواری به ادامهٔ راه است (حسینی ژرفا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۵ و ۲۴۴). قصه‌های قرآنی از یک سو این بینش را به انسان می‌دهد که به وجه مهمی از محیط دعوت اسلام، یعنی رابطهٔ آن با تجربه‌های انبیای پیشین با اقوام خود، دست یابد و از سوی دیگر، نوعی گفتمان است که از انسان‌ها می‌خواهد از آن تجارب عبرت بگیرند. قصه‌های قرآنی یکی از عناصر اصلی شکل‌دهندهٔ مسیر تکوین قرآن است (الجابری، ۱۳۹۳، ص ۳۳۴). بر این اساس، باید توجه داشت که گاهی یک قصه برای القای مطلبی خاص در شرایطی خاص به بازگویی مجدد نیاز دارد و اقتضای خاصی سبب نزول این آیات و بیان این قطعه از تاریخ زندگی اقوام گذشته که با شرایط روز جامعهٔ مسلمان مشابهت دارد، شده است. داستان حضرت موسی ﷺ نیز با اینکه در بیش از سی سوره تکرار شده، در هر مرتبه، موضوعی از آن برجسته و بر نکتهٔ خاصی تأکید شده است. داستان بنی‌اسرائیل در قرآن سه مرحله از زندگی حضرت موسی ﷺ را در برمی‌گیرد: مرحلهٔ پیش از نبوت، مرحلهٔ نبوت و مبارزه با فرعون و نجات بنی‌اسرائیل و مرحلهٔ مبارزات و کنش‌ها با بنی‌اسرائیل. این سه مرحله به اقتضای شرایط گوناگون، در سوره‌های مختلف آمده است (بستانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۳۳).

حضرت موسی ﷺ یکی از شاخص‌ترین پیامبران اولوالعزم است که برای نجات و تشکیل اولین قوم توحیدی مأمور می‌گردد. سرگذشت چنین شخصیتی، هم به لحاظ نبوت و هم به لحاظ مأموریت، یعنی اجرای دستور

۱. مباحث این بخش برگرفته از این منابع است: بهجت‌پور، ۱۳۹۰؛ دروزه، ۱۴۲۱ق؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲؛ فراستخواه، ۱۳۹۳؛ بازرگان، ۱۳۸۶؛ الجابری، ۲۰۰۸م، ۱۳۹۳، ۱۳۹۹؛ نزال، ۱۳۹۰؛ لک‌زایی، ۱۳۸۶؛ هاشمی، ۱۳۸۹؛ الکتانی، بی‌تا.



خدا برای تأسیس و رهبری امت، آموزندگی دارد. سرگذشت تحویل‌گیرندگان این رسالت نیز برای تفهیم رسالت جانشین او یعنی محمد ﷺ و پیش رو نهادن فرجام‌آینده انتخابی پیروان هر دو پیامبر که دچار همان انحراف‌ها و خطاها یا تفرقه و تعدی‌ها شده‌اند، قسمی از برنامه تعلیم کتاب و حکمت است (بازرگان، ۱۳۹۱، ص ۲۴۸).
قصه‌های بنی اسرائیل را در سوره‌های مکی می‌توان در دو مرحله بررسی کرد: دوره اول مکی یا دوران ظهور که تا سال سوم بعثت است و دوره دوم مکی یا دعوت علنی که مصادف با دوران آزار و اذیت پیامبر و مسلمانان و گفتمان کلی مقاومت و صبر و نظام دانایی است. قصه قرآنی می‌کوشد میان این لایه‌ها، بر اساس دانش و شعور اجتماعی، پیوست گفتمانی ایجاد کند تا بریدگی‌های اتفاقات تاریخی در یک فرآیند تدریجی سازنده شکل گیرد.

جدول دوره‌بندی سیر نزول داستان بنی اسرائیل در مکه^۱

| دوره‌بندی | گفتمان حاکم | موضوع کلی | سوره | محتوا |
|---|--|---|---------------|-------------------|
| دوره اول مکی : دوران ظهور (تا سال سوم بعثت) | ۱. دگرگونی اندیشه و عقل: دگرگون کردن هویت انسانی و رفتاری و شخصیتی ۲. آماده‌سازی زمینه ذهنی و اجتماعی: تحول فکری و ذهنی، پالایش نفس به منظور ورود به دوره خودسازی و دگرگونی فردی و اجتماعی و مثل جباران نبودن | پیشنهاد اندیشه رشد و هدایت: ۱. مبانی فلسفه دینی ۲. مبانی هستی‌شناختی (خداشناسی و قیامت‌شناسی) ۳. مبانی انسان‌شناسی: زمینه‌سازی ذهنیت ورود به مسئله تاریخ و عبرت برای مدیریت ۲. فجر | ۱. مزمل | فرعون و سرنوشت او |
| | | | یا دگرد فرعون | |

۱. مباحث این بخش برگرفته از این منابع است: شهیدی، ۱۳۶۹، ص ۴۹؛ الخیاط، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۳۷؛ طبری، ۱۹۶۲، ج ۲، ص ۳۲۹؛ زین، ۱۳۷۹، ص ۳۶۸؛ حمیدالله، ۱۴۰۳، ص ۲۶؛ ابن‌هشام، ۱۹۶۴، صص ۸۲-؛ بلاذری، ۱۹۵۶، ص ۱۳۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ص ۱۳۳؛ ابن‌سعد، ۱۹۶۰، ص ۱۴۲؛ ابراهیم حسن، ۱۹۷۰، ج ۱، ص ۹۱؛ طبری، ۱۹۶۲، صص ۳۴۸-۳۴۹؛ بیضون، ۱۹۸۳، ص ۱۲۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۸۰ به بعد؛ شاکر، ۱۹۷۵، ج ۱، ص ۸۲؛ صالح‌العلی، ۲۰۰۹، صص ۲۶-۲۹ و ۱۴۹؛ ۱۷۵؛ فارسی، ۱۳۶۱، صص ۳۰-۴۳؛ ابی‌یعقوب، ۱۴۱۳، ج ۱، صص ۳۵۵، ۳۹۵ و ۸۵۹؛ کونن، ۱۳۷۴، صص ۳۹-۳۸ و ۳۳۲-۳۳۳؛ جعفریان، ۱۳۶۶، ص ۳۳؛ عبدالرزاق، ۲۰۰۰، ص ۸۵؛ کیا، ۱۳۸۶، ص ۳۲؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۹۸، صص ۳۶۶ تا آخر.

۲. بین سوره فجر و سوره بروج، سوره نجم قرار دارد که در آن به صحف موسی ﷺ اشاره شده است.

| | | | | | |
|---|--|--|---|------------------|---|
| یادکرد فرعون | ۴. بروج | دوره‌ای بحرانی و سخت؛ تأکید بر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی منابع انسانی و سازمانی و در این راستا، پالایش مستمر منابع انسانی راهبردی؛ | بیدارسازی اعماق عناصر و ارکان گفتمان نظام دانایی (دوره‌ای پرچالش و بحرانی): افزونی معرفت؛ آگاهی قریش از کارکرد اجتماعی توحید؛ نفی شرک و سرزنش بت‌پرستی؛ انتخاذ مواضع تند و خشونت‌بار و شدت گرفتن آزار و شکنجه مسلمانان و رهبر جامعه؛ تبدیل روش مدارای اولیه به روش تند که در معرفت تفصیلی اشرافیت مکه ریشه دارد؛ آگاهی به ماهیت تهدیدی نظام اسلام، با تداوم نظام اشرافی و استمرار حاکمیت اشراف؛ واکنش‌های اشرافیت و بهانه‌جوی‌هایی مکرر برای ایمان آوردن. | ۴ تا ۱۰ بعثت | دوره دوم مکی یا دوره دعوت علنی: دوران آزار و اذیت و گفت‌و گفت‌مان کلی مقاومت و صبر و نظام دانایی |
| سرنوشت آل‌فرعون | ۵. قمر | تربیت و آماده‌سازی فاعلان برای آینده‌نگاری با تأکید بر عناصر نخبگی؛ ادامه و بسط مباحث معادشناسی و پیامبرشناسی و خدانشناسی تحلیل وضعیت موجود با تصویرسازی و چشم‌اندازسازی از طریق بیان قصص در سطح توزیع منابع انسانی؛ آسیب‌شناسی وضعیت و ارائه راه‌حل (کتاب و میزان و بینات) | سخت‌ترین و حیاتی‌ترین دوره تبلیغ؛ تنگناهای زیاد بر مسلمانان (فردی و اجتماعی): دعوت به صبوری و مقاومت؛ کند بودن رشد اسلام؛ ارتباط با قبایل؛ گسترش دعوت به بیرون مکه؛ آمادگی برای هجرت به مدینه (نماد هجرت از درون: تحول نظری و انقلاب اعتقادی)؛ جهت‌دهی به امتی واحد شکل‌گیری تدریجی جریان نفاق | ۱۱ تا ۱۳ بعثت | |
| از سوره اعراف به بعد، داستان بنی‌اسرائیل به صورت تفصیلی و با ذکر جزئیات، متناسب با شرایط این دوره پیامبر ﷺ و پیروانش بیان می‌شود. | انعام صافات غافر ، زخرف دخان ، جاثیه ذاریات ابراهیم انبیاء مؤمنون سجده ، نازعات ، عنکبوت | | | | |

۱-۱-۲. دوره اول: آگاهی اولیه و بصیرت‌بخشی

در این مرحله، داستان بنی‌اسرائیل و یادکرد فرعون و سرانجام وی به صورت مختصر ذکر شده است. چنین بیانی با هدف آگاهی اولیه و آمادگی ذهنی و بصیرت‌بخشی به مخاطبان برای چشم‌اندازسازی اولیه از آینده بوده است تا از این رهگذر، زمینه‌سازی شکل‌گیری و تحقق جامعه در گام مدنی مهیا شود. در این مرحله، دعوت به معنای واقعی پنهانی نبود؛ زیرا اگر پنهانی بود، استهزای قریش معنایی نداشت. در این دوره، دعوت محمدی هنوز به دعوت عام تبدیل نشده بود و



تنها محدود به رابطه فردی و تلاش برای اقناع شخصی بود (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۲۵۶-۲۵۵). دو مقطع در این مرحله قابل تشخیص است: مقطع اول نزول قرآن به مدت دو و نیم سال که خطاب آن شخص پیامبر ﷺ است و مقطع دوم که با جهت‌گیری آیات قرآن بر تأکید بر روز بعثت و حساب و تمرکز بر وعده و وعید همراه است. دو سوره مزمل و فجر در این لایه قرار دارد. در این دو سوره برای اولین بار در بین سوره‌های سال‌های اولیه بعثت، با بیانی جدید در قالب تصویرسازی و چشم‌انداز گفتمانی مواجه می‌شویم و آن دعوت به عبرت‌آموزی از سرگذشت و فرجام اقوام گذشته است که به تکذیب پیامبر خود پرداختند (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷-۲۶۲).

۲-۱-۲. دوره دوم: بیدارسازی اعماق عناصر و ارکان

این دوره دوره‌ای پرچالش و بحرانی بود. در این دوره می‌توان به دو مقطع اشاره کرد. در مقطع اول هم‌چنان فضای سال‌های دعوت سرّی و ذکر اجمالی قصص حاکم است. سوره بروج و قمر در این دوره، همانند دوره اول، به یادکرد فرعون و عاقبت او می‌پردازد و به‌عنوان پل ارتباطی بین دوره دعوت سرّی و دعوت آشکار عمل می‌کند. فضای این دو سوره هم‌چنان فضای معاد و هستی‌شناسی است. سپس در سوره‌های بعدی به تفصیل داستان بنی اسرائیل را در موقعیت‌های مختلف بیان می‌کند. تا سوره بروج گروهی نو‌مسلمان شکل گرفته است و جامعه تازه‌شکل‌گرفته مسلمانان برای تحمل مشکلات و شکست‌هایی در برابر آزارها و تضمین حمایت الهی از آنان تشویق می‌شود. در سوره قمر به داستان‌های عاد و ثمود و فرعون و افزون بر آن قوم لوط می‌پردازد تا اخبار ایشان را به اختصار و در سیاق واحد، یعنی سیاق تقبیح موضع قریش در تکذیب پیامبر ﷺ، به ترتیب مرور کند (نک: الجابری، ۱۳۹۳، ص ۲۰۲۵؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۱).

مقطع دوم آغاز مرحله تفصیل قصص و بیان جزئیات آن است. توجه به لحن آیات سوره قمر از وجود تنش در روابط میان پیامبر ﷺ و مشرکان خبر می‌دهد. می‌توان گفت این مرحله سوم از مراحل دعوت محمدی ﷺ است و با ورود پیامبر ﷺ به معرکه‌ای سخت علیه شرک و عبادت بت‌ها و اشراف قریش از مراحل قبل متفاوت می‌شود. پیامبر و اصحابش در این مرحله در معرض انواع شکنجه‌ها بودند و در نتیجه این آزارها، برخی به حبشه مهاجرت کردند (مهاجرت اول). دعوت در این مرحله از تمرکز بر مسئله معاد به مسئله توحید منتقل و بر همین اساس، قصص و به‌خصوص داستان بنی اسرائیل با تفصیل بیشتری بیان می‌شود. در حقیقت، تفصیل قصه‌ها نشان‌دهنده بحرانی‌ترین دوره‌ای است که تولید

گفتمان برای تربیت و ظرفیت‌سازی نیرو در جامعه لازم است.

پس از پاسخ منفی به پیشنهادات مصالحهٔ قریش در سورهٔ قمر، سورهٔ صاد نازل می‌شود. این سوره آغاز مرحلهٔ جدید است و این نکته را می‌توان از سبب نزول سوره دریافت. پس از سورهٔ صاد سورهٔ اعراف قرار دارد، اما هدف آن تکرار مطالب یادشدهٔ پیشین در سوره‌های دیگر یا سورهٔ ماقبل نیست؛ بلکه ارائهٔ آن‌ها را در ساختاری جدید و با نظم و تفصیل بیشتر دنبال و مطالبی را بیان می‌کند که می‌توان از آن به برنامهٔ قصص در قرآن تعبیر کرد. این آیات در حقیقت، راهبرد سوره را مشخص می‌کند (نک: اعراف: ۱۳). هنگامی که دعوت محمدی در مجادله با قریش و نیز یهود مدینه گام‌هایی به جلو برداشت و هم‌چنین هنگامی که حجم قرآن به حد یک کتاب یا بیشتر افزایش یافت، سورهٔ اعراف برای پاسخ‌گویی به تحولات مذکور نازل شد و برای اولین بار از قرآن با عنوان «کتاب» نام برد و برنامه و استراتژی قصص قرآنی را که شامل داستان‌های انبیای بنی‌اسرائیل نیز می‌شد، مشخص کرد. این مرحله را می‌توان به دو مقطع تقسیم کرد (الجابری، ۱۳۹۳، ص ۳۸۰):

مقطع اول سال‌های چهارم تا دهم بعثت که محتوای سوره‌ها به ترتیب این‌گونه بود: (نک: الجابری، ۱۳۹۹، ج ۱ و نیز نک: مقدمهٔ تفسیر سوره‌ها در: طباطبایی، ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲).



| سوره | محتوای سوره - عناصر داستان بنی اسرائیل در سوره |
|-------|--|
| اعراف | پایه‌های اساسی هویت جامعه اسلامی بیان می‌شود و به راهبری مؤمنانی می‌پردازد که به شکل غیرعلنی در مکه زندگی کرده و امکان زندگی آزادانه نداشتند؛ مفاهیم مطرح شده عبارتند از: پذیرش ولایت خالص خداوند، توجه به نعمت‌های پروردگار و بندگی و اطاعت او، ایمان به رستاخیز، پیداری از غفلت و وحشت و خشیت از مقام پروردگار |
| فرقان | مجموعه‌ای از اعتراض‌ها و تعریض‌های قریش علیه پیامبر(ص) طرح شده و با لحنی محکم و قوی به آن‌ها پاسخ داده است؛ در زمینه توحید، نبوت، معاد، هم‌چنین در فضای پاسخ به شکوة رسول، خداوند پاسخ می‌دهد برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم که خرده‌گیر و طعن‌زننده هستند. سپس داستان موسی را به اشاره بیان می‌کند که او را به همراه هارون به میان قومی فرستادیم که تکذیب‌کننده هستند و در نهایت هلاک شدند (۳۶۳۵). |
| مریم | پس از داستان ابراهیم از پیغمبران دیگر یعنی موسی، اسماعیل و ادریس با همین سیاق - سیاق تمجید و تجلیل بدون ذکر داستان - یاد می‌شود. بنا به قولی این سوره هم‌زمان با هجرت به حبشه نازل شده است. این سوره در همان فضای دعوت به توحید است |
| طه | در فضای هجرت به حبشه نازل شده است. پس از خطاب قرار دادن پیامبر(ص) به منظور تسلی و کاهش شدت رنج‌های ایشان، و در فضای تأکید بر موضوع محوری توحید و ترساندن مشرکان به وسیله سرنویشت جوامع نظیر ایشان، داستان بنی اسرائیل را بیان می‌کند. |
| شعرا | در فضای رویگردانی قریش از پذیرش و پافشاری آنان بر مواضع خصمانه که شرایط روحی سختی را برای پیامبر ایجاد کرده بودند، داستان رفتن موسی به سوی فرعون و پذیرفتن دعوت موسی(ع) و سرانجام فرعون به منظور کاستن رنج و ناراحتی پیامبر(ص) ناشی از عدم پذیرش دعوت از سوی قومش بیان می‌شود. |
| نمل | درصد بیان هدایت جامعه کوچک مسلمانان مکه و بشارت آنان به و پیروزی بر معاندان و شکست قطعی آنان؛ بر این اساس، بیان مختصر داستان موسی (چریان رسالت موسی(ع) از آغاز تا دعوت فرعون و سرانجام تکذیب آگاهانه فرعون و قومش) با هدف اینکه انبیا پیشین نیز چنین اذیت‌هایی را متحمل شدند اما در نهایت پیروزی از آن آنان بود. در سوره نمل خداوند پیامبر و مؤمنان را از شکست این چریان مقاوم در برابر منطق انبیا آگاه می‌سازد. |
| قصص | بیان نقش امید به آینده در انسان‌ها و جامعه و اراده الهی که در فرآیند تحولات اجتماعی تأثیرگذار است. سه سوره شعرا (آرامش بخشیدن به پیامبر در قبال مشرکان)، نمل (آرامش بخشیدن به یاران مؤمن) و قصص (وارث و فرمانروا قرار دادن در زمین) در راستای این حقیقت نازل شده‌اند. سوره برای اثبات و قطعیت تحقق وعده از داستان بنی اسرائیل بهره می‌گیرد. دو عنصر جدید در این سوره وجود دارد: ۱. ارتباط هدف این داستان با حال و وضع مستضعفان (مؤمنان به رسالت محمدی) و وعده پیروزی به ایشان؛ همان‌گونه که خداوند فرعون و سپاهیان را شکست داد و بنی اسرائیل یعنی مستضعفان را نجات داد، قریش را نیز به رغم برخورداری از نیروی انسانی و مالی فراوان شکست خواهد داد و مسلمانان را به رغم تعداد اندک و فقر و ناتوانی مادیشان یاری خواهد کرد. ۲. معرفی دو شخصیت جدید یعنی هامان و قارون |
| اسرا | در آغاز و پایان این سوره حکایت داستان بنی اسرائیل آمده است. خداوند در سوره‌های پیشین به جمعیت تازه شکل‌یافته مسلمانان توجه کرده و در این سوره خداوند قوم مؤمن را با یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری جامعه اسلامی یعنی جامعه متوکل و معتمد به خداوند و نقش قرآن و تورات در هدایت آشنا می‌کند. |
| یونس | عناصر جدید: یادآوری آیه، اندک بودن پیروان موسی. نکته مهم درباره داستان موسی(ع) این است که موسی قبل از درخواست از فرعون برای بردن بنی اسرائیل از مصر به فلسطین، به دعوت مردم به توحید اقدام می‌کند؛ در حالی که به موجب سوره‌های قبل موسی مستقیماً به سوی فرعون فرستاده شده بود. بر این اساس موسی تنها به رویارویی و درگیری با فرعون برای آزادسازی بنی اسرائیل نمی‌پردازد. بلکه همانند دیگر پیامبران به دعوت به سوی خدا اقدام می‌کند. موسی آل فرعون و درباریان را به ایمان به خداوند دعوت می‌کند، اما آن‌ها ایمان نمی‌آورند. بنی اسرائیل را نیز مانند آل فرعون به خداوند دعوت می‌کند و آنان می‌پذیرند. در نتیجه فرعون و درباریان به هلاکت می‌رسند. در نهایت به منظور تسلی‌بخشی به پیامبر(ص) متذکر می‌شود که هلاکت قریش غیرحتمی است و با یاری دعوت امکان محفوظ ماندن از عذاب وجود دارد. |
| هود | تأکید بر توحید و معاد. بر خلاف داستان‌های قبل، در این سوره نجات فرعون مطرح می‌شود تا به مثابه عبرت برای آیندگان باقی بمانند. این هدف دو جنبه دارد: یکی قوت قلب دادن به پیامبر(ص) و دیگری مبارزه طلبی صریح در برابر قریش |

مقطع دوم سالهای یازدهم تا سیزدهم بعثت که سوره‌ها به پایداری و متعلق آن امر می‌کند. سوره‌های پیشین تقریباً به تسلای دل و تثبیت قلب پیامبر ﷺ اختصاص داشت و از سوره شعرا آغاز شده بود. خداوند متعال از ابتدای نزول قرآن، پایه‌های اصلی گفتمان توحید را مطرح و بر جداسازی این گفتمان از گفتمان شرک تصریح فرمود و از سوره حجر پیامبر ﷺ را مأمور کرد تا جامعه مکه را به دو بخش مؤمن و مشرک تقسیم نماید و با علنی کردن رفتار مؤمنان در اجتماع مکه، با ایجاد دو قطبی در جامعه شکاف ایجاد کند و از مشرکان روی‌گردان شود. این مقوله به فضای ارتباط با قبایل و آمادگی برای هجرت مربوط است. این اتفاق از سوره انعام رقم خورد (الجابری، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۰۷۵).

| سوره | محتوای سوره - عناصر داستان بنی‌اسرائیل در سوره |
|---------|---|
| انعام | نزول سورهٔ انعام در این مرحله، آغازگر مرحله‌ای است که در آن خطابه‌های قرآنی متوجه خارج ام‌القری می‌شود. |
| صافات | به دلیل واکنش سلبی قریش در این دوران، در این سوره تشویق و تحریض پیامبر (ص) بارها تکرار می‌شود. بر این اساس، به صورت کلی و گذرا به نصرت و نجات موسی (ع) و هارون (ع) و قومشان و نزول کتاب بر آنان و هدایت آن‌ها اشاره می‌کند. |
| غافر | این سوره به بعد، در فضای محاصره در شعب ابی‌طالب و هجرت دوم به حبشه است. پیام سوره تسلی‌دادن و تقویت عزم و اراده پیامبر (ص) است. در این سوره عنصر جدید موضع فرعون در برابر موسی (ع) و دعوت مؤمن آل فرعون بیان می‌شود. این موضع همان موضع ابوجهل است. |
| زخرف | در فضای محاصره نازل شده و علت تکرار داستان موسی (ع) قوت قلب دادن و دعوت به صبر است. در بخشی از سوره خداوند به دل‌داری پیامبر (ص) در برابر تمسخر به خاطر دعوت توحیدی می‌پردازد. سپس با بیان گفتار فرعون با قومش، از تمسخر وی پرده برمی‌دارد. تشریح می‌کند فرعون از راه استخفاف و سب‌کردن عقلایت مردم، آن‌ها را به فاصله از موسی (ع) ترغیب می‌کرد که نتیجه آن، نابودی فرعون بود. |
| دخان | در فضای دعوت به معاد و بیان سرنوشتی که در انتظار مشرکان است. در این فضا نیز سرنوشت فرعون و درباریانش را بیان می‌کند. |
| جاثیه | بیان هلاکت و عذاب کسی که منکر خداست و دیگران را نیز به خاطر این عقیده مسخره می‌کند. همان اصلی که در بنی‌اسرائیل هم بود و خداوند به خاطر آنچه در آن اختلاف کردند، در روز قیامت داوری میکند. |
| ذاریات | پس از محاصره پیامبر (ص) نازل شده و حاوی مباحث معاد و قیامت هستند. پس از این سوره به ذکر شواهدی از تاریخ پیامبران و درگیری با اقوامشان را باز می‌گوید تا با بازگشت به موضوع مطرح شده در مقدمه سوره (قطعی بودن رستاخیز) پایان یابد. |
| ابراهیم | اولین سوره‌ای که پیامبر (ص) با عبارت «لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» مورد خطاب قرار می‌گیرد. ظلمات وضعیت بنی‌اسرائیل در زمان فرعون و نور، یعنی خارج کردن بنی‌اسرائیل از آن وضعیت و هجرت. مسأله مربوط به انتقال از وضعیتی مادی (فقر، قهر و استبداد) به وضعیتی مادی دیگری یعنی آزادی از سرکشی فرعون و بازگشت به سرزمین موعود است. نزول سوره در این بازه زمانی از مأموریت موسی (ع) از سوی خداوند به خارج ساختن بنی‌اسرائیل فهمیده می‌شود. کافران به رسولانشان گفتند اگر به آیین ما بازنگردید، شما را از سرزمینمان بیرون خواهیم کرد. در این سوره برای اولین بار است که در قرآن مکی موسی (ع) همانند خطاب به پیامبر (ص)، به سوی قومش روانه می‌شود. تا پیش از این خطاب موسی (ع) متوجه فرعون و هیچ خطابی به موسی (ع) نشده که او را مستقیماً به سوی قومش روانه کند. از این رو می‌توان گفت که نزول این آیه با گرایش و حمایت یهود مدینه از قریش که پیامبر (ص) را تنگنا قرار دهند، تناسب دارد. سال نزول این سوره هم دقیقاً در وضعیتی است که پیامبر مهبای هجرت از مکه به مدینه است. |
| انبیاء | در پیمان عقبه اولی نازل شد. این سوره به بیان تحرکاتی می‌پردازد که قریش برای بازداشتن اهل موسم و بازارهای سالبانه از ارتباط با پیامبر (ص) انجام می‌دادند و هم‌زمان انتقاد از پرستش بت‌ها بیان شده و ارکان اساسی اسلام مورد تأکید قرار گرفته است (مبانی اعتقادی و پارادایمی) و به قریش هشدار داده می‌شود که وقت حساب‌رسی در زمان خود خواهد رسید و شتاب آنان برای فرارسیدن روز قیامت به مثابه مبارزه طلبی با پیامبر، دلیل بر غفلت و بی‌خبری آنان است. زیرا اسلام در خارج از مکه در حال انتشار است و سرزمین شریک روز به روز کوچک‌تر می‌شود و به عوامل پیروزی حضرت موسی (ع) و وعده توراتی اشاره می‌شود. |

با مرور بر آنچه گذشت، مشخص می‌شود در شش سورهٔ مکی و در دوران دعوت علنی که آزار و اذیت مشرکان زیاد شده بود و از طرفی پیامبر ﷺ در پی انسان‌سازی به‌منظور تشکیل امت واحده و جامعه‌سازی بود، بخش‌هایی از داستان موسی ﷺ به‌طور تفصیلی بیان شده است. این شش سوره که با حروف مقطعه آغاز شده، بر حسب ترتیب نزول عبارت است از: اعراف، طه، شعرا، قصص، یونس و غافر. آنچه در این سوره‌ها جلب توجه می‌کند این است که تمامی آن‌ها با اشاره به قرآن کریم آغاز می‌شود. با سورهٔ غافر، داستان بنی‌اسرائیل در دورهٔ مکی به پایان می‌رسد، اما یادکرد موسی و دیگر پیامبران، گاه تنها با ذکر نامشان و گاه به اقتضای سخن یا شرح ماجرای که با قومشان داشته‌اند، استمرار می‌یابد.



۲-۲. تبیین فرآیند

در این قسمت فرآیند جامعه‌سازی در دوران مکه را با توجه به سیر نزول سوره‌های حاوی داستان بنی اسرائیل تبیین می‌کنیم.

۲-۲-۱. ایجاد زمینه و تقویت اندیشه و تفکر

اولین مرحله در انسان‌سازی به‌منظور ساخت یک جامعه، ایجاد زمینه و طرح مسئله برای پذیرش دعوتی است که چگونه فکر کردن و چگونه سنجیدن را به همراه دارد. توجه به سیر نزول و محتوای آیات با بهره‌گیری از تاریخ اسلام نشان‌دهنده آن است که پیامبر ﷺ و حضرت موسی ﷺ زمانی به رسالت مبعوث می‌شوند که ظلمات و جهل مردم را فراگرفته و افراد قدرت‌طلب در صدر قدرت قرار دارند و انسان‌ها دچار ذهنیت‌های ذلیل و هویت‌های محکوم هستند. در چنین شرایطی، پیامبران رسالت خود را ابتدا با خویشاوندان (موسی و هارون، پیامبر ﷺ و نزدیکانش) شروع می‌کنند (صفائی حائری، ۱۳۹۹ق، ص ۱۴۶). درحقیقت، ابتدا پیامبر ﷺ تنها به دنبال فراخوانی و جذب افراد برگزیده به دین خود است و برای برهم زدن نظام اجتماعی حاکم بر مکه و برقراری نظامی نو، تلاش مستقیمی به عمل نمی‌آورد و به سراغ شیوه ارتباطی گروهی یا ارتباط جمعی نمی‌رود (الویری، ۱۳۸۳، ص ۴۷). دو سوره مزمل و فجر با یادکرد فرعون و سرنوشت او در دوره اول مکی به این مقوله اشاره دارد.

دگرگونی عقل و اندیشه، یکی از مؤلفه‌های اصلی و تأثیرگذار در هویت انسان و رفتار و شخصیت اوست. آماده‌سازی زمینه ذهنی و اجتماعی سبب تحول ذهنی و فکری و تزکیه نفس با هدف ورود به دوره خودسازی و دگرگونی فردی و اجتماعی است. در قصه بنی اسرائیل، ابتدا به کتاب و آیات و بینات اشاره می‌شود. تفکر مرحله بعد از تعقل است. انسان‌ها ابتدا باید عاقل و آنگاه متفکر شوند. مهم‌ترین عامل در تفکر، نگرش انسان است. تعقل بلافاصله بعد از شنیدن و دیدن قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۵۳). امر انسان‌ها به تفکر و تعقل، از همان ابتدای نزول قرآن در دستور کار پیامبر ﷺ بود. نظام فکری شرک علاوه بر محدود نمودن کنش فکری انسان، روح جمعی را از بین برده و سودجویی فردی را در سایه دیدگاه قبیله‌ای بر جامعه چیره ساخته بود. قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار ایجاد تحول فکری، موانع اساسی فرهنگ‌پذیری مانند

خودبینی و سست‌اعتقادی را از بین برد و تفکر و تعقل را جایگزین آن نمود. دستاورد مهم این تغییر، نفی وابستگی‌های قومی و ترک بت‌پرستی و از بین بردن افکار تقلیدی بود (النجار، ۱۹۹۷م، ص ۱۶۵). آیات قرآن کریم در نمونه آیات قصصی، انسان را به اندیشه در تمام حقایق عالم تشویق و امر کرده و افرادی مثل فرعون و بنی‌اسرائیل را که از حقیقت گریزانند، نکوهش نموده است (نک: آیات سوره مزمل و فجر).

۲-۲-۲. تحول در هندسه معرفتی

مرحله دوم فرآیند جامعه‌سازی، ایجاد تحول در هندسه معرفتی، یعنی مبانی معرفتی و الگویی و اعتقادی مخاطبان، به‌منظور دستیابی به نظام اجتماعی شایسته است. بر همین مبنا، مأموریت اصلی پیامبران دگرگون‌سازی این هندسه معرفتی بود. تأمل در سیر نزول قرآن و برش‌های قصه بنی‌اسرائیل نشان می‌دهد که الگوپردازی، اولین گام این هندسه معرفتی است که از سوی رهبر جامعه پیشنهاد می‌شود و در دو سوره بروج و قمر در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. در حقیقت، آگاهی و تحول روحی شرط تحقق یک مبارزه پیروزمندانه است. تغییر باور انسان‌ها سبب می‌شود تا مسیر و جهت حرکت مشخص شود و راهی برای بازگشت به خود پیش‌رو قرار گیرد: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (انبیاء: ۶۴). بیداری و آگاهی افراد جامعه، در تحول واقعی آن تأثیر دارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...» (رعد: ۱۱). فرعونیان و مستکبران همواره از ناآگاهی مردم برای تحکیم سلطه خویش بهره برده‌اند. بنابراین بذر احساس شخصیت و ایمان و اعتقاد به خود، اولین قدم در انقلاب روحی و تغییر بنیادی است؛ چون اساس هر حرکتی خودباوری است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۴، ص ۲۱۲). بنابراین می‌توان گفت احیای انسان‌ها و بیدار ساختن آن‌ها، در طول نزول آیات الهی مد نظر قرار داشت و براین اساس، برای رسیدن به الگوی مطلوب اجتماعی ابتدا باید در بنیادهای فکری و فرهنگی و معرفتی جامعه جاهلی تغییر و تحول ایجاد کرد تا در پرتو آن بتوان به جامعه‌ای خواهان رستگاری و آزادی از ارزش‌های جاهلی دست یافت. این امر تنها با نهادینه شدن مفاهیمی مانند فقر و جود انسان به حاکمیت ربوبی به دست می‌آید (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۵۴۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۳۲؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۳). از سوی دیگر، باتوجه به اینکه ساخت اجتماعی، الگویی از بافت ذهنی جامعه است، همه‌اهتمام پیامبران صرف این مسئله گردید تا ابتدا ذهن مردم را با توحید و



معاد به مثابه دو مقوله معرفتی آشنا سازد تا به تبع آن، نظام اجتماعی آن‌ها نیز سامان یابد؛ بنابراین با طرح شعار توحیدی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) همه هستی را مملوک خداوند و در حرکت به سوی او نشان داد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۲۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۴۱). نظام توحیدی همان‌گونه که در عرصه نظری، یعنی نفی عبودیت غیر خدا، جاری است، در عرصه اجتماعی نیز گفتمان‌سازی کرده و به نفی تعارض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی پرداخته است. آیه ۱۳ حجرات (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۷۵) و ۲۱۳ بقره (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۵۹۶) به این مقوله اشاره می‌کند. حضرت موسی علیه السلام در همان ابتدای رسالت، دعوت به توحید و معاد را سرآغاز دعوت خود قرار داد و در این راستا به تخریب نظام فکری و اخلاقی فرعون‌ی پرداخت (نک: طه: ۴۹-۵۰). همان‌طور که در عصر پیامبر نیز، ایشان ضمن آگاهی و دعوت مردم به سوی توحید و معاد، تخریب نظام فکری و اخلاقی جاهلی را دستور کار خود گرفت و همانند حضرت موسی علیه السلام با هدف ترسیم هندسه معرفتی، دعوت خود را از بنیان این هندسه، یعنی توحید، شروع نمود تا از این طریق به انسان‌سازی برسد و انسان‌های مہیای جامعه دینی و ایمانی را تربیت نماید. بدین‌منظور، ابتدا باید فکر و ایدئولوژی جدید را تولید کرد که همان اعتقاد به توحید است.

۲-۲-۱. اندیشه عبودیت و توحید

دعوت به عبودیت و توحید اولین چالش معرفتی است که در سیر نزول قرآن به آن توجه می‌شود. در حقیقت، شرک به مثابه یک نظام معرفتی، مبنای عقیده مشرکان و سبب بی‌توجهی آنان به حقیقت هستی شده بود. پایبندی به سنت پیشینیان نیز این نظام را تداوم می‌بخشید (زخرف: ۲۴). مشرکان در دوران جاهلیت بت‌هایی را به‌عنوان خدای خود پرستش می‌کردند و در مقابل آن‌ها اظهار نرمی و رامی داشتند و فرزندان خود را نیز عبد آن‌ها نام می‌نهادند؛ مانند عبد مناة (ابن کلبی، ۱۳۸۵، ص ۱۳). مواجهه پیامبر با مشرکان، در حقیقت نوعی تقابل گفتمانی بود. این گفتمان با محوریت توحید، نظام معرفت دینی مشرکان را به چالش می‌کشید (نک: المیزان، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۳۹) و در صدد بود تا با دعوت مردم به توحید، آنان در مسیر رستگاری قدم بردارند. در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مَرَقَل با ذکر عاقبت سرکشی فرعون، به نتیجه اجتناب از عبودیت خدا اشاره و در دو آیه ۲۵ و ۲۶ هود نیز، نتیجه دوری از عبودیت



خدا عذاب الهی ذکر شده است. در واقع این عبودیت، بینشی است که انسان تنها خداوند را انتخاب می‌کند. آیندهٔ این انتخاب در ضمن آیات و موقعیت‌های مختلف تصویر شده است. این آیات و نیز گزارش داستان بنی‌اسرائیل نشان می‌دهد که این انتخاب سبب ایجاد مشکلاتی چون درگیری با همهٔ اطرافیان و حرف‌های مردم می‌شود (برای مثال نک: شعرا: ۴۹؛ احزاب: ۵۷ و توبه: ۶۱). به دلیل این مشکلات، در موقعیت‌های مختلف، استقامت و صبر طرح می‌شود (نک: طه: ۱۳۰؛ روم: ۵۸ و ۶۰؛ حجر: ۹۷ و مزمل: ۱۰). در حقیقت، مرحلهٔ سوم دوران مکی این موقعیت را گزارش می‌کند و بیشترین حجم قصص با ذکر جزئیات در این مرحله نازل شده است. دعوت به صبر نشان از این دارد که تنها با خدا می‌توان به خدا رسید. ابتلای مؤمنان در مراحل مختلف مکی و دعوت به عبرت و نیز صبر در برابر بلاها، با ذکر بلاهای نازل شده بر بنی‌اسرائیل در زمان موسی علیه السلام و نحوهٔ برخورد آن‌ها با این ابتلائات ذکر شده است.

خداوند در آیهٔ ۲ سورهٔ اسراء می‌فرماید: «وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكُتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ آلَا تَتَّخِذُوا مِنِّي دُونِي وَكَيْلًا». دو نکته در این آیه مورد توجه است: نخست اینکه بر اساس آیهٔ «قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ» (احقاف: ۳۰)، تورات، هم به‌سوی حق دعوت کرده و هم به راه مستقیم راهنمایی نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۱۶)؛ دوم اینکه خداوند در بحث اعتماد و اتخاذ معتمد، از واژهٔ انحصاری «مِن دُونِي» بهره برده و با التفات از متکلم مع‌الغیر به متکلم وحده، بر اصل توحید تأکید نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۶). بنابراین مأموریت اصلی حضرت موسی علیه السلام دعوت به توحید و اجتناب از شرک به‌واسطهٔ اعتماد بر خدا و وکیل‌گرفتن او در امور است. در جایی که در همراه کردن بنی‌اسرائیل به‌خاطر ترس ایشان از فرعون عرصه بر موسی علیه السلام به تنگ می‌آید و فقط عدهٔ کمی به او ایمان می‌آورند (نک: یونس: ۸۳)، او نشانهٔ ایمان و تسلیم ایشان را توکل بر خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید: «يَا قَوْمِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ» (یونس: ۸۴).

۲-۲-۲. اندیشهٔ معاد

رستاخیز و معاد دومین مؤلفهٔ این نظام معرفتی است. پذیرش اندیشهٔ معاد سبب تغییر دنیای عینی انسان‌ها می‌شود. علامهٔ طباطبایی می‌گوید: «در میان کتاب‌های آسمانی، قرآن کریم تنها



کتابی است که درباره روز رستاخیر به تفصیل سخن رانده و در صدها مورد با نام‌های گوناگون از آن یاد کرده و بارها تذکر داده است که ایمان به روز جزا هم‌طراز با ایمان به خدا و یکی از اصول سه‌گانه اسلام است که منکر آن از آیین اسلام خارج شده و سرنوشتی جز هلاکت ندارد» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰).

درحقیقت، معاد و آخرت‌گرایی یکی از مهم‌ترین مباحثی بود که با اضافه شدن به گفتمان توحید، اندیشه «مادی‌گرایی و فناپذیری انسان» یا همان گفتمان رقیب (شرک و نظام فرعون‌ی) و تضمین‌کننده منافع این گروه را زیر سؤال برد. گفتمان توحید با این اقدام در مقابل گفتمان شرک، منفعت و سودرسانی توحید به انسان را امری همیشگی و جاودانه و فراتر از محاسبات مادی و دنیوی دانست (تقوی، ۱۳۹۶، ص ۲۲). اهمیت این مقوله به حدی است که در موقعیت‌ها و آیات مکرر قرآن خطاب به بنی اسرائیل و قوم پیامبر ﷺ تکرار شده است. می‌توان گفت هر زمانی که جامعه در آستانه یک تحول بزرگ فرهنگی و اجتماعی قرار داشت و مؤمنان باید رسالت سنگینی را بر دوش می‌گرفتند، تبلیغ و ترویج اعتقاد به معاد و زندگی اخروی، گستردگی و اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد؛ زیرا تبیین ناپایدار بودن دنیا و گذرا بودن لذت‌های مادی و تأکید بر پایداری زندگی آخرت و بهره‌های آن، زمینه را برای پذیرفتن مسئولیت‌های مهم دینی فراهم می‌کرد. به همین دلیل است که بیشتر آیات معاد در سه سال اول بعثت و در آستانه دعوت علنی پیامبر ﷺ و سنگین شدن مسئولیت یاران او، یعنی مقطع زمانی دوم دوره اول مکی که در جدول دوره‌های نزول به آن اشاره شد، نازل شده است (بازرگان، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲). درحقیقت، جهت‌گیری مقطع زمانی دوم دوره اول مکی، تأکید آیات قرآن بر روز بعثت و حساب و تمرکز بر وعده و وعید است.

۲-۲-۳. مبارزه علنی با ایده‌های طاغوتی

قرآن برنامه هدایت بشر بر مبنای تحول و تربیت تدریجی است. پس از آنکه پیامبر مأمور شد زیربنای حاکمیت ربوبی و راه برون‌رفت از مانع‌تراشی طغیان‌گران را تبیین کند، در ادامه رسالت خویش، برای تخریب نظام مشرکانه و طاغوتی و جایگزینی ایده‌ها و هنجارهای الهی، مأمور شد تا گام دیگر را به صورت علنی بردارد. به همین منظور، ابتدا در آیات ۱ تا ۷ سوره مدثر، به پیامبر دستور قیام و انذار می‌دهد. این مبارزه، همانند مبارزه حضرت موسی با فرعون، بر دو محور اساسی شکل گرفت: مبارزه علمی و مبارزه عملی.

۱. مبارزه علمی که در دو مرحله ابلاغ پیام‌های الهی و احتجاج صورت گرفته است. موسی علیه السلام در ابلاغ پیام‌های الهی، به معرفی جایگاه خود پرداخته (اعراف: ۱۰۴) و هدف از آن را آزادسازی بنی‌اسرائیل (دخان: ۱۸) و مبارزه با برتری‌جویی فرعون (دخان: ۱۹) عنوان کرده است. در جدال احسن مخالفان در پی آنند تا با مجادله، تأثیر سخنان پیامبران الهی را از بین ببرند؛ ولی آنان با سخنان خود این توطئه را بی‌اثر می‌کنند. در این‌باره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

اعتراض فرعون به معنای انکار رسالت موسی علیه السلام (شعرا: ۱۸-۱۹) و متهم کردن او به فساد و گناه (شعرا: ۱۹) که آن حضرت اینگونه پاسخ می‌دهد: توجیه و توضیح عمل گذشته (شعرا: ۲۰-۲۱)، تثبیت رسالت (شعرا: ۲۱)، اعتراض به استکبار و زورگویی فرعون (شعرا: ۲۲)، مناظره و ارائه اصول دین و مبانی فکری دعوت (توحید در آیات طه: ۵۰؛ شعرا: ۲۴-۲۷؛ معاد در آیات طه: ۴۸-۵۲؛ اشاره به موهبت‌های الهی و سرانجام انسان‌ها در آیات طه: ۵۳-۵۵)؛ تهدید فرعون (شعرا: ۲۹-۳۱)؛ ارائه معجزه (شعرا: ۳۱-۳۳).

۲. مبارزه علمی شامل مبارزه مستقیم از قبیل شرکت در مبارزه با ساحران (شعراء: ۳۴)، برتری‌جویی مادی و فرهنگی (شعرا: ۳۵؛ یونس: ۷۸) و مبارزه غیرمستقیم از قبیل هجرت. به دلیل زیاد شدن گروندگان به حضرت موسی علیه السلام، فرعون بر شکنجه آن‌ها افزود و بدین سبب خداوند فرمان هجرت مؤمنان از آن سرزمین را صادر نمود. انگیزه هجرت نیز متوقف شدن اجرای احکام دین به دلیل فشار حاکم ستمگر و نیز تمام شدن حجت بر مردم آن سرزمین بود.

۲-۲-۳. شکل‌گیری جامعه حدافلی مؤمنان

پس از تلاش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به منظور ایجاد تغییر تدریجی در جامعه طاغوتی مکه، دو گروه طاغوتی و الهی پدید آمدند. هنگام نزول سوره بروج گروهی از نومسلمانان شکل گرفته و جامعه تازه شکل گرفته مسلمانان به تحمل مشکلات و شکیبایی در برابر آزارها و تضمین حمایت الهی از آنان تشویق می‌شود (الجبوری، ۲۰۰۸م، ج ۲، ص ۱۰۷۵). در این دوره، اهداف و اولویت‌های جامعه مشخص شده است؛ همچنین اصلی‌ترین منابع انسانی که می‌توان در واقعیت‌های اجتماعی به آنان تکیه کرد، تربیت شده‌اند و گام شکل‌گیری اجتماع و جامعه مهیا شده است. آیت‌الله خامنه‌ای در این‌باره می‌فرماید:

در محیط جاهلی مکه، پیغمبر وقتی می‌خواهد آدم درست بکند، مجبور است یکی یکی درست کند؛ برای خاطر اینکه از برای ایجاد آن‌چنان نظامی، یک عده خواص لازمند، یک عده سنگ



زاویه و زیربنا لازمند. این‌ها قبلاً دانه‌دانه درست می‌شوند. این منافات ندارد با نقشه کلی انبیا. پیغمبر برای اینکه سنگ‌های زاویه جامعه مدنی را درست بکند و بترشد، مجبور است در مکه آدم‌سازی فردی بکند؛ یک دانه ابوذر، یکی عبدالله مسعود، یکی دیگر، یکی دیگر و از این قبیل... اما وقتی نوبت به مدینه می‌رسد، آن جامعه الهی و اسلامی در مدینه تشکیل می‌شود. پیغمبر در رأس آن جامعه است و حاکم به احکام الهی و فرمان‌های خداست. آنجا، آن وقت، خدای متعال این جوری حرف می‌زند: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ»: چون به یاری و پیروزی خدا برسد و فتح بیاید، «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»: و ببینی مردم را که فوج‌فوج به دین خدا داخل می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۰۶-۳۰۷).

برای مثال، آیه ۱۵۷ اعراف به ویژگی‌هایی پیامبر ﷺ اشاره می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت ایشان به تربیت نیروی انسانی است. «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ»: آنان را به نیکی‌ها و فضیلت‌های شناخته‌شده برای عقل و فطرت انسان امر می‌کند؛ «وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ»: آن‌ها را از منکرات و چیزهای ناشناخته از نظر عقل و فطرت انسانی نهی می‌کند؛ «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ»: برای آنان طیبیات و چیزهای خوب را که شامل هرچیز خوبی در دین است حلال و ممکن و روا می‌کند؛ «وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ»: و چیزهای پلید را بر آنان حرام می‌کند؛ یعنی آن‌ها را از چیزهای بد محروم و دستشان را از آن کوتاه می‌کند؛ «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ»: از جمله خصوصیات پیغمبر این است که بار گران جهالت، سنت‌های غلط، نظام‌های پلید غیرانسانی، دیکتاتوری‌ها، استبدادها، زورگویی‌ها و استثمارها را برمی‌دارد؛ «وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»: غل‌ها و زنجیرهای اسارت‌ها، زورشنوی‌ها، سنت‌ها و مقررات و تحکیمات بشری را باز می‌کند. مجموع این‌ها چیزی جز تشکیل یک نظام انسانی و توحیدی نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۱۰-۳۱۲).

در دوره اول مکی و مرحله اول دوره دوم، با اینکه جامعه مؤمنان از قدرت رسمی و محسوس بهره‌ای ندارد، از سوره اعراف به بعد، خداوند توجه خود را به فرهنگ‌سازی و تقویت و رشد گفتمانی همین گروه حداقلی معطوف و سه مؤلفه اساسی فرهنگ‌سازی این گروه را چنین بیان می‌کند: پیروی نکردن از طاغوت و پذیرش وحی الهی (اعراف: ۲) و پذیرش رسول (اسراء: ۳۶). از نظر قرآن، جهل جامعه یکی از دلایل نپذیرفتن رسالت پیامبران است. این جهالت نیز گاه به خاطر نبود پیامبر به‌عنوان منذر جامعه شکل می‌گیرد (یس: ۶۷): به همین دلیل، خداوند با ادبیات

انذار و دو نعمت قرآن و رسالت (فرقان: ۶-۲۱)، به عوامل و محرک‌های اجتماعی تأثیرگذار در اصلاح باور و تشویق انسان‌ها به عبودیت می‌پردازد.

درون‌مایهٔ انسان، بنیان حرکت تاریخ و اساس روینای اجتماعی با تمام روابط، نظام‌ها، افکار و جزئیات آن است. هرگونه تغییر در روینا نیازمند تغییر در بنیان است و زمانی که پایه تغییر کند، روینا نیز تغییر خواهد کرد. درحقیقت، رابطه میان درون‌مایهٔ انسان و بنای فوقانی و تاریخی جامعه، رابطهٔ تبعیت و سبب و مسبب است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). این آیه از دو تغییر و دگرگونی سخن می‌گوید: دگرگونی جامعه و تغییر درون‌مایهٔ انسان‌ها. بنابراین دگرگونی اصلی در نفس قوم اتفاق می‌افتد (خودسازی) و به تبع آن، دگرگونی وضعیت تاریخی و اجتماعی قوم رقم می‌خورد. از نظر قرآن، این دو فرآیند باید شانه به شانه یکدیگر اتفاق بیفتد (نک: صدر، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲-۱۳۴).

دو دیدگاه کلی نسبت به ایجاد تغییرات راهبردی در جوامع وجود دارد: رویکرد بیرون به درون و رویکرد درون به بیرون (بلک و گریگرسن، ۱۳۹۰، ص ۱۱): در رویکرد بیرون به درون، به رهبر توصیه می‌شود پس از تدوین چشم‌انداز و راهبرد تحقق آن، اهرم‌های سازمانی را ترسیم کند تا از این راه، چشم‌انداز را در مسیر محقق شدن پیش برد. منظور از ترسیم اهرم‌های سازمانی یا اجتماعی این است که رهبر جامعه با بهره‌گیری از اختیارات خود، در مرحلهٔ اول، زیرساخت و ساختار سازمان و جامعه را بر اساس راهبرد تحقق چشم‌انداز تغییر دهد و امیدوار باشد که مردم نیز این تغییر را به‌ناچار بپذیرند. در این رویکرد، تغییر ذهنیت و باورها و نگرش‌های مردم، امری متأثر از تغییرات بیرون است و در مرحلهٔ آخر به آن توجه می‌شود و همین عامل، سبب شکست بسیاری از پروژه‌های چشم‌اندازی سازمان‌ها و جوامع مانند حکومت فرعون است. رویکرد دوم برخلاف رویکرد اول است و اولین نکتهٔ راهبردی آن برای ایجاد تغییرهای موفق و پایدار در سطح جامعه، تغییر مردم و آزمون آنان در موقعیت‌های مختلف برای خالص‌سازی است. این تغییر، هدفمند است؛ زیرا به‌منظور تحقق چشم‌انداز و مشارکت مردم به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی ایجاد می‌شود. با فرض پذیرش رویکرد دوم در ایجاد تغییرات اساسی و در نظر گرفتن تغییر اذهان انسان‌ها برای تغییر موفق جامعه، باید به این نکته توجه داشت که تغییر در حالت طبیعی سبب ایجاد مقام در برابر خود می‌شود. توضیح آنکه همهٔ انسان‌ها بر اساس پیش‌ذهنیت یا نقشه‌های



ذهنی خود عمل می‌کنند. به همین دلیل، تغییر افراد با تغییر در نقشه‌های ذهنی و نگاه آنان به جامعه آغاز می‌شود. در صورتی که رهبران یک جامعه نتوانند باورها و اندیشه‌های مردم را تغییر دهند، نمی‌توانند سرنوشت افرادی را که از آنان پیروی می‌کنند، تغییر دهند. درحقیقت، تحول بنیادین نیازمند توجه به انسان‌ها و ترسیم دوباره نقشه ذهنی آنهاست. تا زمانی که آنچه در ذهن مردم می‌گذرد، از نو طراحی و بازسازی نشود و موانع فکری در هم نشکند، نمی‌توان برای تغییر و حرکت در انسان‌ها انگیزه جدید پدید آورد (بلک و گریگرسن، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۳). مرور ۲۳ سال نزول قرآن و تلاش‌های پیامبر نشان از این مقاومت مردم دارد.

تأمل در سیره انبیا به مثابه الگوهای رهبری نشان می‌دهد که رویکرد دوم با رهیافت‌های آنان به‌منظور ایجاد تغییر در جامعه سازگار است. رهبران الهی همواره با شروع از مردم و تعامل چهره‌به‌چهره با آنان، باورها و نگرش‌های ایشان را به سعادت و زندگی مطلوب انسانی تغییر می‌دادند. پیامبر ﷺ طی مدت ۲۳ سال، با ایجاد عمیق‌ترین تحولات فردی در میان گروه‌های جاهلی و تهی از سامان، جامعه‌ای سامان‌یافته، چشم‌اندازمحور، ارزش‌مدار و بهره‌مند از حاکمیت مرکزی مقتدر و آماده برای جنبش‌های جهانی بزرگ ساخت.

سرنوشت‌سازترین حادثه در معرفی دین موسی ﷺ و مهم‌ترین عامل گرویدن گروهی از بنی‌اسرائیل و در رأس آنان نخبگان علمی جامعه (ساحران)، پیروزی او در رویارویی با ساحران بود. ایمان ساحران که جزء نخستین گروه مؤمنان به موسی ﷺ و خدا بودند، آن‌چنان وحشتی در فرعون ایجاد کرد که موجب سخت‌ترین واکنش از طرف وی شد. تهدید به زجرآورترین نوع مرگ برای نخبه‌ترین افراد مصر، واکنشی بسیار سخت در برابر دیدگان انبوه مردم بود. این واکنش نشان‌دهنده تأثیرگذاری عمیق این رخداد بر مردم بود؛ به طوری که باعث ایمان گسترده بنی‌اسرائیل به موسی ﷺ شد. بنا بر روایتی از ابن‌عباس، بعد از ایمان آوردن ساحران، شصت هزار نفر از بنی‌اسرائیل به حضرت موسی ایمان آوردند و از پیروانش شدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۱۶). براین اساس، در جامعه‌سازی مدنظر قرآن و به شرح زیر، ابتدا باید به آسیب‌شناسی انسان و جامعه پرداخت و سپس به دنبال اصلاح و تحول آن‌ها بود:

۱. انسان زمانی که هدف و انگیزه نداشته باشد، حتی با وجود دارا بودن عزت و ثروت و امکانات، انسانی ذلیل خواهد بود؛

۲. جامعه نیز حتی اگر در موقعیت مناسب و از امکانات و درصدهای بالایی بهره‌مند باشد، اما آرمان ملی و جهانی نداشته باشد، ذلیل خواهد بود. جامعه به یک مدیریت مسلط بر کار و نیروهای کارآمد برای پست‌ها و نیازهای خلق یا کشف‌شده نیازمند است که این امر از طریق تعلیم و تربیت و با بینش و دانش به دست می‌آید؛

۳. حکومت و مدیریتی هم که تحت برنامه دیگران باشد و به فکر برنامه خود و تربیت نیروی انسانی و تأمین نیازها و امکانات نباشد، ذلیل است.

در واقع بازسازی این چنین مدیریت و حکومت، با تحول در رأس و پیکره و توده مردم محقق می‌شود؛ زیرا گروه مردم به دلیل ناهماهنگی با مدیر ذلیل، او را کنار می‌گذارند و با یک پیکره نیرومند در مقابل ضعف‌ها ایستادگی و یک رئیس بیدار را جایگزین او می‌کنند. او نیز با خلق و کشف مهرها و جایگزینی آن‌ها و با گسترش نظارت بر آن‌ها می‌تواند کارگشا باشد (صفائی حائری، ۱۳۹۹ق، ص ۶۴-۶۵). همان‌طور که در نمونه قصص در فراز پیشین گذشت، قرآن طی ۲۳ سال دوره مکی و مدنی، روش پیریزی چنین تغییر و تحولی را در گام‌های انسان‌سازی تا جامعه‌سازی پیش روی انسان قرار داد. درحقیقت، عملکرد پیامبر ﷺ در راستای سالم‌سازی و آماده‌کردن انسان‌ها عبارت بود از تخریب نظام فکری و اخلاقی جاهلی، تصحیح آداب و رسوم و سنن در مسیر صراط مستقیم، تهذیب جان‌ها با نماز و عبادت به درگاه خدای یگانه و کادرسازی و تکوین نظام فکری مسلمانان.

۲-۲-۴. ظهور رسمی جامعه حدادلی مؤمنان

پس از ظهور رسمی گروه اندک مؤمنان و مخالفت آشکار با باورهای مشرکان، آزار و شکنجه‌های جریان طاغوت تشدید شد. به همین دلیل، خداوند در این دوره و پس از نزول سوره اعراف، با تبیین و تفصیل جزئیات قصص اقوام گذشته و ذکر عاقبت منکران و مخالفان، راهکارهای مقاومت و تقویت روحیه جامعه تازه‌شکل‌گرفته مؤمنان را ارائه کرد؛ آنگاه با نزول سوره اعراف و سوره‌های پس از آن که به تفصیل به داستان‌های پیامبران گذشته پرداخته، گام‌های تازه اقدام را معرفی نمود. در سوره‌های این دوره یعنی دوره دوم مکی، اصلاح بینش و رفتار مورد توجه قرار گرفته است (الجببری، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۰۷۵). هم‌چنین با اشاره به افراد مدعی ایمان که در برابر فشارها و شکنجه‌ها عکس‌العمل مناسبی نشان ندادند، ظهور گروه جدید یعنی منافقان و سرزنش آنان را



متذکر می‌شود (نک به: عنکبوت: ۱-۱۱)؛ هم‌چنین به تهدید شدید کافران می‌پردازد و سستی ارکان این نوع جریان را بازگو می‌کند. در این دوره، پیامبر ﷺ به امت‌سازی می‌پردازد. امر به هجرت نیز در این دوره اتفاق می‌افتد. این راهبرد گامی مهم جهت حفظ هویت امت، دگرگونی، انتقال فرهنگ و تحقق دولت است. در حقیقت، مهاجرت به مدینه یکی از نقاط عطف در تاریخ اسلام است. مدینه به دلیل داشتن ساختاری متفاوت از مکه، مرکز تحولات فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی شد و موفقیت‌های پیامبر ﷺ در همهٔ ابعاد اجتماعی و سیاسی در مدینه، به سرعت به وقوع پیوست. یکی از بهترین رویدادهای سیاسی که اساس تحولات فرهنگی در این دوره نیز شمرده می‌شد، تشکیل نظام سیاسی از سوی پیامبر ﷺ در مدینه بود. تأسیس دولت عامل تعیین‌کننده در ایجاد تحولات فرهنگی بود و به کنترل اجتماعی کمک کرد. داشتن مشروعیت، مقبولیت عامه و حمایت‌های مردمی، از جمله امتیازات دولت تأسیسی پیامبر ﷺ بود (کنعان، ۱۹۹۶م، ص ۱۹۸). البته پیامبر ﷺ بارها به هجرت نکردن بعد از توطن و شهرنشینی اشاره می‌کند. مذمت بازگشت به حیات جاهلی یا صحراگزینی بعد از شهرنشینی (ابن شهبه، ۱۹۹۰م، ج ۲، ص ۴۸۳) موضوعی است که در امر موانع فرهنگ‌پذیری اجتماعی اهمیت دارد.

خداوند با هدف آماده‌سازی مردم برای هجرت به مدینه، داستان هجرت بنی اسرائیل را بیان می‌کند و چون مسلمانان بعد از هجرت به مدینه با یهودیان مدینه مواجه می‌شوند، برای مواجهه با آنان، شیوهٔ جدال احسن را توصیه می‌نماید. سپس با توجه به فتنه‌انگیزی کافران، مؤمنان را به هجرت از مکه امر می‌کند و سرنوشت کفار و از جمله قارون و فرعون و هامان را متذکر می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۳۷۵-۳۷۴). همان‌طور که گفته شد، یکی از دو رکن دعوت انبیا اجتناب از طاغوت است؛ زیرا عبادت خداوند هیچ‌گاه با طاغوت و پیوستن به آن جمع نمی‌شود. پس از فراگیر شدن گفتمان توحیدی در جامعه و به خطر افتادن منافع و حیات مستکبران، جبههٔ باطل و دشمنان در مقابل آن قرار می‌گیرند و اقدام به انواع حرکات ایذایی مانند جنگ سخت و نرم و تحریم‌های مختلف می‌کنند تا بدین واسطه حکومت دینی را مجبور به سازش و تن دادن به خواسته‌های باطل خود نمایند. چرایی ارسال موسی ﷺ به سوی فرعون و شروع مبارزهٔ او، طغیان و سرکشی فرعونیان است و موسی ﷺ موظف به برخورد با طاغوت می‌شود. خداوند به او می‌فرماید: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه: ۲۴) و وظیفهٔ او را در عمل، دوری و اجتناب از طاغوت معرفی

می‌کند. در نهایت نیز موسی علیه السلام نیز مأمور به هجرت دادن بنی‌اسرائیل می‌شود. حقیقت تشویق مؤمنان به هجرت، گام دیگری در راستای تقویت الگوی جامعه‌سازی و دولت‌سازی اسلامی است. پس از آن، مدینه کانون تربیت نقیبان و واعزام آنان برای تبلیغ و گسترش آموزه‌های اسلام شد. در همین برهه، خداوند به نقیبان بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند (مائده: ۱۲). پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه برای ایجاد روابط میان گروه‌های مختلف و ایجاد دگرگونی فرهنگی و کنترل اجتماعی، قوانین اجتماعی را در ضمن پیمان‌نامه‌ها و قراردادهایی وضع نمود (نک: به مجموعه المؤلفین، ۲۰۱۴م؛ کنعان، ۱۹۹۶م، ص ۲۰۰-۱۹۸؛ یعقوبی، ۱۹۹۳م، ص ۴۰۱؛ ابن‌شبهه، ۱۹۹۰م، ج ۳، ص ۲۶۳). مرحلهٔ هجرت زمانی رخ می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس سیر دعوت دینی ابتدا به توحید فرا می‌خواند و پس از آنکه با عکس‌العمل منفی طاغوت مواجه می‌شود، به‌وسیلهٔ هجرت اقدام به اجتناب از طاغوت می‌کند؛ چنان‌که پس از آنکه انذار نزدیکان توسط پیامبر نتیجهٔ مطلوبی نداشت و قریش به حرکات اذیابی خود ادامه داد، ابتدا پیامبر زمینهٔ هجرت چند تن از یارانش به حبشه را فراهم کرد و سپس خود به یثرب هجرت نمود.



نتیجه‌گیری

وحی الهی با هدف ایجاد تحول در همهٔ امور، از جمله جامعه‌سازی نبوی، آغاز گردید. توجه به سیر نزول قرآن کریم، سیر رسیدن به چنین جامعهٔ مطلوبی را پیش روی انسان قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، یک دورهٔ زمانی ۲۳ ساله برای تحقق بخشیدن به جامعه و حکومت مطلوب شکل گرفت و مراحل و ساختار شکل‌گیری جامعه را در اختیار مخاطب قرار داد. تأمل در فضای حاکم بر مکه در آغاز این تغییرات اجتماعی، عوامل و شرایط تغییر را نشان می‌دهد. همان‌گونه که بنی‌اسرائیل برای عصر مخاطب پیامبر ﷺ در حجاز نمونه است، برای دورهٔ معاصر نیز عصر موسی ﷺ و عصر پیامبر (ص) نمونه‌های مصداقی و گفتمانی تدبیر جهت تغییر و ساخت جامعهٔ مطلوب شمرده می‌شود. با این چشم‌انداز، امروزه دو پروندهٔ تاریخی پیش روی پژوهش‌گر جامعه‌شناس باز است: یکی عصر پیامبر ﷺ و دیگری عصر موسی ﷺ و بنی‌اسرائیل. سرگذشت بنی‌اسرائیل را در سوره‌های مکی به‌عنوان یک نمونهٔ فرآیند جامعه‌سازی می‌توان در دو مرحله بررسی کرد: دورهٔ اول مکی یا دوران ظهور که مصادف با سال نخست تا سال سوم بعثت است و دورهٔ دوم مکی یا دعوت علنی که دوران آزار و اذیت و گفتمان کلی مقاومت و صبر و نظام دانایی است.

در دورهٔ مکی، تمرکز برای ایجاد زمینه‌های تأسیس جامعه است. براین‌اساس، پیامبر ﷺ ابتدا به ایده‌سازی پرداخت و پس از آن جامعهٔ حداقلی مؤمنان شکل گرفت. در اواخر دوران مکه نیز شکل‌گیری رسمی جامعهٔ مؤمنان در دستور کار پیامبر ﷺ بود. درحقیقت، خطاب این فرآوری در اولین گام، زیست انسانی بود و سپس به فاعلان فردی و اجتماعی پرداخت. این آموزه‌ها نشان می‌دهد که در تغییر و تحول یک جامعه، تقدم مغزافزار و انسان‌افزار بر سخت‌افزار اولویت دارد و نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت است که به تربیت منابع انسانی مؤثر در ساخت جامعه منجر می‌شود و درنهایت با دستور هجرت، جامعهٔ منسجم نبوی در دورهٔ مدینه شکل می‌گیرد. پس از تربیت نیروی انسانی می‌توان به آن در تمامی شرایط متکی بود و با همین منابع انسانی، می‌توان به یک جامعهٔ مطلوب دست یافت. می‌توان فرآیند جامعه‌سازی را در این مراحل مشاهده نمود: ایجاد زمینه و تقویت اندیشه و تفکر، تحول در هندسهٔ معرفتی، شکل‌گیری جامعهٔ حداقلی مؤمنان و ظهور رسمی جامعهٔ حداقلی مؤمنان.

کتاب نامه

قرآن کریم

- آل غازی، عبدالقادر ملاحوش. (۱۳۸۲ق). بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول. مطبعة الترقی. ابراهیم حسن، حسن. (۱۹۷۰م). النظم الاسلامیه. مکتبه النهضة.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (علی اکبر غفاری، مصحح). دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). الکامل فی التاریخ. دارالمعرفة.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد. (۱۹۶۰م). الطبقات الکبری. دار بیروت.
- ابن شبه النمیری البصری، ابوزید عمر. (۱۹۹۰م). تاریخ المدینة المنورة (أخبار المدینة النبویة) (فہیم محمد شلتوت، محقق). دارالتراث.
- ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل. (۱۴۱۹ق). البداية والنهاية، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن کلیب، ابومنذر هشام بن محمد. (۱۳۸۵). الاصلنام. سخن.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. (۱۹۶۴م). تہذیب السیرة (عبدالسلام ہارون، محقق). المؤسسة العربية الحدیثة.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن. بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- ابی یعقوب، احمد بن ابی یعقوب. (۱۴۱۳ق). تاریخ الیعقوبی (عبدالامیر مہنا، محقق). مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- الویری، محسن. (۱۳۸۳). شیوہ های فرهنگی - ارتباطی پیامبر ﷺ در عهد مکی. دین و ارتباطات، ۱۱(۲۱)، ۴۱-۷۰.
- بازرگان، مہدی. (۱۳۸۶). بابہ پای وحی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بازرگان، مہدی، (۱۳۹۱). سیر تحول قرآن. شرکت سهامی انتشار.
- بخشی، احمد و همکاران. (۱۴۰۰). فرآیند دولت - ملت سازی و نقش آن در شکل گیری بحران لبنان. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۷)، ۳۹-۹.
- بستانی، محمود. (۱۳۸۴). پژوهشی در جلوہ های هنری داستان های قرآن (موسی دانش، مترجم). بنیاد پژوهش های اسلامی.
- بلادزی، احمد بن یحیی. (۱۹۵۶م). فتوح البلدان. لجنة البیان العربی.
- بلک، استوارت؛ و گریگرسن، هال. (۱۳۹۰). الفبای کاربردی مدیریت تغییر (مرضیه کیقبادی، مترجم). آینده پژوه.
- بہجت پور، عبدالکریم و همکاران. (۱۳۹۵). الگوی خط مشی گذاری انسجام اجتماعی از نظر قرآن کریم. دوفصلنامه دین و سیاست فرهنگ، ۳(۷)، ۳۲-۷.
- بہجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۰). همگام با وحی. سبط النبی.
- بہجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول). انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بہجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۴). شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم. تمہید.
- بیضون، ابراهیم. (۱۹۸۳م). الحجاز والدولة الاسلامیة: دراسة فی اشکالیہ العلاقة مع السلطه المركزيہ فی القرن الاول الهجری. المؤسسة الجامعیة للدراسات و التوزیع.
- تقوی، ہدیہ. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان شیوہ های گفتاری سران قریش با پیامبر در دورہ مکی با تکیہ بر نظریہ تحلیل گفتمان ارنستو لاکوتو و سنتال موفہ. فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، ۲۸(۳۸)، ۳۳۲-۹. <https://doi.org/10.22051/hii.2018.15290.1362>
- الجابری، محمدعابد. (۱۳۹۳). رھیافتی به قرآن کریم (محسن آرمن، مترجم). نشر نی.
- الجابری، محمدعابد. (۱۳۹۹). فہم قرآن حکیم (محسن آرمن، مترجم). نشر نی.
- الجابری، محمدعابد. (۲۰۰۸م). فہم القرآن الحکیم. دارالبیضاء.
- جعفریان، رسول. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی اسلام. مؤسسہ در راه حق.
- حسینی ژرفا، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۷). مبانی هنری قصہ های قرآن. مرکز پژوهش های صدا و سیما.
- حمید اللہ، محمد. (۱۴۰۳ق). مجموعه الوثائق السیاسیة للعہد النبوی والخلافة الراشدة. دارالنفائس.
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۷). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. مؤسسہ ایمان جہادی صہبا.



- الخیاط، الشیخ محی الدین. (۱۹۶۸م). *دروس التاریخ الاسلامی*. المكتبة الاهلیه.
- الدجانی، زاهیه راغب. (۱۳۹۳). *مفهوم قرآنی و توراتی موسی و فرعون* (حبیب الله عباسی، مترجم). سخن.
- دروزة، محمد عزة. (۱۴۲۱ق). *التفسیر الحدیث*. دارالغرب الاسلامی.
- رجبی قدسی، محسن؛ و اتحاد، سیده فرناز. (۱۴۰۱). *بررسی مقاله «یعقوب» در دایرة المعارف قرآن لیدن*. قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۷(۳۲)، ۲۵۵-۲۸۶. doi: 10.22034/QKH.2022.7180
- ریاحی مهر، باقر؛ و سپهری فرد، حسین. (۱۴۰۱). *نقش تربیتی سنت های الهی در سوره عنکبوت*. قرآن و علم، ۱۶(۳۱)، ۲۴۰-۲۵۸. doi: 10.22034/QVE.2023.7626
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۹۸). *تاریخ تحلیلی صدر اسلام (عصر نبوت)*. سمت.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. دارالکتب العربی.
- زین، سمیع عاطف. (۱۳۷۹). *محمد در مکه (علی جواهرکلام، مترجم)*. جام.
- شاکر، محمود. (۱۹۷۵م). *التاریخ الاسلامی*. دارالقلم.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۶۹). *تاریخ تحلیلی اسلام*. نشر دانشگاهی.
- صالح علی، أحمد. (۲۰۰۹م). *دولة الرسول فی الممدینة ودراسة فی تكوناتها و تنظیمها*. شركة المطبوعات للتوزیع والنشر.
- صدر، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۵). *پژوهش های قرآنی (سیدجلال میرآقایی، مترجم)*، دارالصدر.
- صفائی حائری، علی. (۱۳۹۹ق). *از معرفت دینی تا حکومت دینی*. اطلاعات.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۸). *شیعه در اسلام*. بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان (سیدمحمدباقر موسوی، مترجم)*. دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ناصر خسرو.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۹۶۲م). *تاریخ الطبری (تاریخ الرسل و الملوک)*. دارالمعارف.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. داراحیاء التراث العربی.
- عبدالرزاق، علاء. (۲۰۰۰م). *أزمة الهوية فی الفكر العربی المعاصر بین الاصلة و المعاصرة* [رسالة ماجیستر غیر منشورة مقدمة لكلية العلوم السیاسیة]. جامعه بغداد.
- العلوانی، طه جابر. (۱۹۹۹م). *مقدمة فی اسلامیة المعرفة*. مؤسسة الأعراف للنشر.
- فارسی، جلال الدین. (۱۳۶۱). *انقلاب تکاملی اسلام*. مؤسسه علمی - فرهنگی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۳). *تدبری در آیات قرآنی*. قلم.
- قانع، حمیدفاضل. (۱۳۸۸). *آینده پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی*. معرفت فرهنگی - اجتماعی، ۱(۱)، ۴۵-۶۸.
- الکتانی، محمدبن عبدالحی. (بی تا). *نظام الحکومه النبویه (عبدالله خالدی، محقق)*. دارالارقم بی ایی ارقم.
- کنعان، محمد بن احمد. (۱۹۹۶م). *السیرة النبویه و المعجزات: خلاصة تاریخ ابن کثیر*. مؤسسة المعارف.
- کونن، بروس. (۱۳۷۴). *درآمدی به جامعه شناسی (محسن ثلاثی، مترجم)*. فرهنگ معاصر.
- کیا، علی اصغر. (۱۳۸۱). *تغییرات اجتماعی*. مرکز برنامه ریزی آموزش نیروی انسانی.
- لکزایی، نجف. (۱۳۸۶). *سیره پیامبر اعظم در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی*. بوستان کتاب.
- مجموعه المؤلفین. (۲۰۱۴م). *وثیقة المندنیة: دراسات فی التأسیل الدستوری فی الاسلام*. مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی.
- محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۸۱). *قصه های قرآن به قلم روان*. نبوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. دارالکتب الاسلامیه.
- النجّار، الشیخ عبدالوهاب. (۱۹۹۷م). *السیرة النبویه خرحه آیاته و وضع حواشیه: الشیخ زکریا عمیرات*. دارالکتب العلمیة.
- نزال، عمران سمیع. (۱۳۹۰). *وحدت تاریخی سوره های قرآن کریم*. سخن.
- هاشمی، سیدحسین. (۱۳۸۹). *مبانی تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول*. پژوهش های قرآنی، ۱۶(۶۲-۶۳)، ۸۹-۷۲.



The study of the revelation process of the Holy Quran provides insight into the path to achieving an ideal society. It took 23 years to establish such a society and government. This period reflects coordinated management, planning, and a comprehensive set of actions and words. The "guidance and training" along with such "organization and formation" and calculated migrations indicate the formation of a religious society (Safa'i Haeri, 1399 AH, p. 145-146). Examining the status of a society before its transformation helps researchers understand the various dimensions of social changes, their methods, and goals. Reflecting on the social atmosphere of Mecca at the beginning of these changes reveals the factors and conditions for transformation. Among these, the agents of change, who play a role in forming the desired society, are identified. These individuals' social actions acquire the form and characteristics of historical actions. In other words, their actions stem from beliefs, goals, and values that impact society. In general, the following can be considered as the social merits of Meccan verses, each playing a significant role in creating change or giving purpose to society: the emphasis on unity and social cohesion (Shura: 13, 15), narrating the stories of prophets and past nations for lesson-learning and modeling (see: verses of stories), commitment to life after death with an eschatological approach, focus on repentance as a tool for human purification (Hud: 114; Nisa: 17), and explaining good traits for nearness to God (Al-Najjar, 1997, p. 169; Abi Ya'qub, 1993, p. 361).

Research Method:

This research utilizes the descending approach of the Holy Quran and historical teachings, using content analysis and the story of the Israelites, to explore the process of prophetic community-building during the Meccan period, with an emphasis on the narrative of the Israelites. Accordingly, the author aims to answer the question of how the process of community-building in the Meccan period, relying on the story of the Israelites, is depicted by employing the descending method and historical teachings.

Findings:

In six Meccan surahs, during the period of public invitation when the persecution by polytheists intensified, and the Prophet (PBUH) was focused on human development to form a united community, parts of the story of Moses (AS) are detailed. These six surahs, which begin with disjointed letters, in the order of revelation are: A'raf, Taha, Shu'ara, Qasas, Yunus, and Ghafir. What is notable in these surahs is that they all start by referencing the Holy Quran. The story of the Israelites in the Meccan period concludes with Surah Ghafir, but mentions of Moses and other prophets continue, sometimes only by name or through narrating an incident involving their people. By analyzing the revealed surahs containing the story of the Israelites and examining the events of the Meccan period, the author concludes that during the Meccan period, the Prophet (PBUH) initially focused on creating a foundation and fostering thought and transformation in the intellectual framework of the audience. Based on this, and by nurturing human resources, he initially formed a minimal community of believers. In the latter part of the Meccan period, the formal emergence of the community of believers was prioritized. The Prophet (PBUH) then established the society and government upon migration to



Medina.

Results:

Divine revelation commenced with the aim of initiating transformation in all aspects, including prophetic community-building. Studying the revelation process of the Holy Quran reveals the path to achieving such an ideal society. In other words, a 23-year period was dedicated to establishing the desired society and government, outlining the stages and structure of community formation. Reflecting on the social atmosphere of Mecca at the onset of these social changes shows the factors and conditions for change.

Just as the Israelites served as an example for the audience of the Prophet (PBUH) in Hejaz, the eras of Moses (AS) and the Prophet (PBUH) serve as practical and discursive models for transformation and constructing an ideal society in contemporary times. With this perspective, two historical cases are open to the sociologist: the era of the Prophet (PBUH) and the era of Moses (AS) and the Israelites. The story of the Israelites in the Meccan surahs can be examined as a model of community-building in two stages: the initial Meccan period or the emergence phase coinciding with the first to third years of the mission, and the second Meccan period or public invitation characterized by persecution, general resistance, patience, and a system of knowledge. In the Meccan period, the focus was on laying the groundwork for establishing the society. Accordingly, the Prophet (PBUH) initially engaged in idea-building and subsequently formed a minimal community of believers. In the latter part of the Meccan period, the formal formation of the community of believers was prioritized. In reality, the primary focus of this process was human life, which then extended to individual and social actors. These teachings indicate that in societal transformation, the precedence of intellectual and human development over physical infrastructure is essential and requires long-term investment that leads to training effective human resources for society's construction. Eventually, with the command to migrate, the cohesive prophetic community formed in Medina. After training human resources, they can be relied upon in all conditions, and with these human resources, an ideal society can be achieved. The community-building process can be observed in these stages: creating the foundation and fostering thought and reflection, transforming the intellectual framework, forming a minimal community of believers, and the formal emergence of the minimal community of believers.

How to cite

Dastjani Farahani, R. (2024). The Prophetic Community-Building Process in the Meccan Period with an Emphasis on the Descent of the Children of Israel Story. *Quran, Culture And Civilization*, 5(1), 100-133. doi: 10.22034/jksl.2024.400892.1215

References

- The Holy Quran. [In Arabic].
- Al-Ghazali, Abdull-Qadir Mullawh sh. (2003). *Bayan al-Ma'nan al-Asb Tartib al-Nuzul*. Tariqi Printing Press. [In Arabic].
- Ibrahim Hasan, Hasan. (1970). *Al-Na'm al-Islamiyah*. Maktabah Nahdah. [In Arabic].
- Ibn Babiwayh, Muhammad ibn Ali. (1994). *Man L'Yahduruhu al-Faqih* (Edited by Ali Akbar Ghaffari). Islamic Publications Office. [In Persian].
- Ibn Athir, Ali ibn Muhammad. (1998). *Al-Kamil fi al-Trikh*. Dar al-Ma'arif. [In Arabic].
- Ibn Saad, Abu Abdullah Muhammad. (1960). *Al-abaqat al-Kubr*. Dar Beirut. [In Arabic].
- Ibn Shubbah al-Namari al-Basri, Abu Zaid Umar. (1990). *Trikh al-Madinah al-Munawwarah (Ahkbar al-Madinah al-Nabawiyyah)* (Edited by Fahim Muhammad Shaltut). Dar al-Turath. [In Arabic].
- Ibn Kathir, Abu al-Fida Ismail. (1999). *Al-Bidayah wa al-Nihayah*. Dar al-Ma'arif. [In Arabic].
- Ibn Kalbi, Abu Munzir Hisham ibn Muhammad. (2006). *Al-A'nam*. Sokhan Publication. [In Arabic].
- Ibn Hisham, Abu Muhammad Abdul-Malik. (1964). *Tahdh al-Sirah* (Edited by Abdul-Salam Harun). Arab Modern Institution. [In Arabic].
- Abu al-Futuh Razi, Hussein ibn Ali. (1987). *Rawd al-Jinn wa Ru' al-Jan fi Tafsir al-Quran*. Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Arabic].
- Abi Ya'qub, Ahmad ibn Abi Ya'qub. (1994). *Trikh al-Ya'qubi* (Edited by Abdul Amir Mahna). Islamic Institute for Publications. [In Arabic].
- Bazargan, Mahdi. (2007). *Pbay-e Vahy*. Cultural Islamic Publications Office. [In Persian].
- Bazargan, Mahdi. (2012). *Seir-e Tahavol-e Quran*. Joint Stock Publishing Company. [In Persian].
- Bakhshi, Ahmad et al. (2021). Government-Nation-Building Process and Its Role in Forming the Lebanese Crisis. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 3(7), 9-39. [In Persian].
- Bustani, Mahmoud. (2005). *A Research on the Artistic Aspects of Quranic Stories* (Translated by Musa Danesh). Islamic Research Foundation. [In Persian].
- Balazuri, Ahmad ibn Yahya. (1956). *Futuh al-Buldan*. Jannat al-Bayan Arabic Publications. [In Arabic].
- Balk, Stewart; & Gregersen, Hall. (2011). *The ABCs of Change Management* (Translated by Marzieh Kiaghbadi). Ayande-Pajouh. [In Persian].
- Bahjatpour, Abdolkarim. (2011). *Hamgam ba Vahy*. Sabte Noor Publications. [In Persian].
- Bahjatpour, Abdolkarim. (2013). *Tafsir Tanzili (In the Order of Revelation)*. Institute for Cultural and Intellectual Studies Publications. [In Persian].
- Bahjatpour, Abdolkarim. (2015). *Shinakhname Tanzili Surehaye Quran Karim*. Introduction. [In Persian].
- Bahjatpour, Abdolkarim et al. (2016). The Model of Policy-Making for Social Cohesion from the Perspective of the Holy Quran. *Religion and Cultural Policy*, 3(7), 32-7. [In Persian].
- Beizoun, Ibrahim. (2004). *Al-Hijaz and the Islamic State: A Study of the Relationship with Central Authority in the First Hijri Century*. University Studies and Distribution Institution. [In Arabic].
- Taqavi, Hadiyeh. (2017). Discourse Analysis of Qur'anic Speech Patterns of Quraysh Leaders during the Meccan Period based on Ernesto Laclau's Discourse Analysis Theory. *Journal of Islam and Iran History*, 28(38), 32-9. DOI: <https://doi.org/10.22051/hii.2018.15290.1362>. [In Persian].
- al-Jaberi, Muhammad Abid. (2014). *An Approach to the Holy Quran* (Translated by Mohsen Armin). Nashr-e



- Ney. [In Persian].
- al-Jaberi, Muhammad Abid. (2020). Understanding the Wise Quran (Translated by Tahmasb Armin). Nashr-e Ney. [In Persian].
- al-Jaberi, Muhammad Abid. (2008). Understanding the Wise Quran. Dar al-Bayda. [In Arabic].
- Ja'farian, Rasul. (1987). Political History of Islam. Dar Rahe Haq Institution. [In Persian].
- Husseini Jarfa, Seyyed Abul-Qasim. (1998). Artistic Foundations of Quranic Stories. Islamic Republic of Iran Broadcasting Research Center. [In Persian].
- Hamidullah, Muhammad. (1984). Collection of Political Documents of the Prophetic Era and the Rightly Guided Caliphate. Dar al-Nafa'is. [In Arabic].
- Khamenei, Seyyed Ali. (2018). General Framework of Islamic Thought in the Quran. Sahba Jihadist Belief Institute. [In Persian].
- al-Khayyat, Sheikh Mahi al-Din. (1968). Lessons in Islamic History. Ahliah Library. [In Arabic].
- al-Dajani, Zahia Raghieb. (2014). The Quranic and Torah Concept of Moses and Pharaoh (Translated by Habibullah Abbasi). Sokhan. [In Persian].
- Darozzi, Muhammad Iza. (1998). Al-Tafsir al-Hadith. Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic].
- Rajabi Ghadri, Mohsen; & Etedad, Sayyed Farnaz. (2002). Review of the "Yaqub" Article in the Quranic Encyclopedia of Leyden. Quranic Studies of Orientalists, 17(32), 255-286. doi: 10.22034/QKH.2022.7180 [In Persian].
- Riahi Mehr, Baqer, & Sepehri Fard, Hussein. (2002). The Educational Role of Divine Traditions in the Chapter of the Spider. Quran and Science, 16(31), 240-258. doi: 10.22034/QVE.2023.7626. [In Persian].
- Zargamejad, Ghulam Hussein. (2019). Analytical History of Early Islam (The Era of Prophethood). Samt. [In Persian].
- Zamakshari, Mahmoud. (1996). Al-Kash f'an Haq 'iq Ghaw mi al-Tanz I. Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Zain, Samih Atef. (2000). Muhammad in Mecca (Translated by Ali Javaherkalam). J m. [In Persian].
- Shaker, Mahmoud. (1975). Islamic History. Dar al-Qalam. [In Arabic].
- Shahidi, Seyyed Jafar. (1990). Analytical History of Islam. University Press. [In Persian].
- Saleh al-Ali, Laham. (2009). The State of the Prophet in Medina and a Study of its Formation and Organization. Al-Matba'at al-Matbu'at Company for Distribution and Publishing. [In Arabic].
- Sadr, Sayyed Mohammad Baqir. (2016). Quranic Researches (Translated by Sayyed Jalal Miraghaei). Dar al-Sadr. [In Persian].
- Safa'i Ha'iri, Ali. (2020). From Religious Knowledge to Religious Government. Information. [In Persian].
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein. (1995). Tafsir al-Mizan (Translated by Sayyid Muhammad Baqir Mousavi). Islamic Publications Office. [In Persian].
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein. (2009). Shi'a in Islam. Bustan-e Kitab. [In Persian].
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1993). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Naser Khosrow. [In Arabic].
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1962). Tarikh al-Tabar (Tarikh al-Rusul wa al-Muluk). Dar al-Ma'arif. [In Arabic].
- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. (n.d.). Al-Tiby n fi Tafsir al-Quran. Dar Ahya al-Turath al-Arabi.
- Abdul-Razzaq, Ala'a. (2000). The Identity Crisis in Contemporary Arab Thought between Authenticity and Modernity [Unpublished master's thesis, Faculty of Political Science]. University of Baghdad. [In Arabic].
- Al-Alwani, Taha Jabir. (1999). Introduction to the Islamic Epistemology. Al-A'raf Institution for Publishing. [In Arabic].

- Farsi, Jalal al-Din. (1982). Evolutionary Revolution in Islam. Scientific and Cultural Institution. [In Persian].
- Farastakhvah, Maqsd. (2014). Contemplations on Quranic Verses. Qalam. [In Persian].
- Qani, Hamid Fadil. (2009). Futurism and the Desirable Islamic Society. Cultural-Social Knowledge, 1(1), 45-68. [In Persian].
- al-Kittani, Muhammad ibn Abd al-Hayy. (n.d.). Nizam al-Hukmat al-Nabawi (Edited by Abdullah Khalidi). Dar al-Arqam bi Abi Arqam. [In Arabic].
- Kanaan, Muhammad ibn Ahmad. (1996). The Prophetic Biography and Miracles: Summary of Ibn Kathir's History. Ma'aref Institute. [In Arabic].
- Cohen, Bruce. (1995). An Introduction to Sociology (Translated by Mohsen Salasi). Contemporary Culture. [In Persian].
- Kia, Ali Asghar. (2002). Social Changes. Human Resource Development Planning Center. [In Persian].
- Lakzayi, Najaf. (2007). The Prophet's Life in Transition from the Ignorant Society to the Islamic Society. Bostan-e Ketab. [In Persian].
- Authors' Compilation. (2014). Document of Citizenship: Studies in Constitutionalism in Islam. Center for Islamic Thought Development. [In Arabic].
- Muhammadi-Eshtehardi, Mohammad. (2002). Quranic Stories in Simple Writing. Nabavi. [In Persian].
- Motahari, Morteza. (1999). Collection of Works. Sadra. [In Persian].
- Makarem Shirazi, Naser. (1992). Tafsir-e Nemouneh. Dar al-Kitab al-Islami. [In Persian].
- Najjar, Sheikh Abdul Wahhab. (1997). The Prophetic Biography, by Sheikh Zakaria Omaryat. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Nazal, Imran Sameeh. (2011). Historical Unity of Quranic Verses. Sokhan. [In Persian].
- Alviri, Mohsen. (2004). Cultural-Communicative Methods of the Prophet's (PBUH) Communication in the Meccan Era. Religion and Communications, 11(21), 41-70. [In Persian].
- Hashemi, Seyyed Hossein. (2010). Foundations of Quranic Interpretation based on the Order of Revelation. Quranic Studies, 16(62-63), 72-89. [In Persian].

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

